

دو زانو بسته بودند بگوشه ایستادم (این روزانو
 خشین در نزد ایشان علامت تعظیم و خضوع است)
 حلقی نگذشت شخصی را آوردند که رخسار ضریب غیر
 معمولی باو پوشانیده بودند (چنان فهمیدم که جرمن
 را پلباسی مخصوص ملبس مینمایند) شخص مزبور را
 در حضور یکی از اهل مجلس که در صدر نشسته بودند
 بر سرپا نگاه داشتند - آن شخص با او بزبان چینی
 عتاب مینمود و وی بکمال خوف و خشیت جواب
 میداد - از وضع مکالمه ایشان و سکوت سایرین یقین
 کردم که شخص محترم بالاشین قاضی است و آن دیگری
 که بر سرپا ایستاده مقصر است - همچنین از اطوار و
 هنجار سخن گفتن شخص مقصر و حرکات دست و
 سر او معلوم میشد که گناه خود را منکر است - ولی
 این انکار بواسطه شهادت دو گواه عادل بی نتیجه و
 مطلوب الامر ماند - زیرا که قاضی بدو نفر فراش که
 در مقابل ایستاده و هر یک چوب سطلبری از خیزران
 در دست داشتند و باصطلاح مردم آنجا آن چوب
 را (بامبو) میگویند حکم کرد که آن مرد را کشان
 کشان از اطاق بیرون برده و بروی خوابانیده دو نفر
 دیگر آمدند یکی پشت با و یکی در پس بگردن وی
 ریخته و آن دو فراش مانند شاگرد آهنگری که پتک
 بر سندان می کوبد چاقی بر پشت و کمر و سرین آن
 بد بخت می زدند بچاره مثل گاو فریاد میکرد و کسی
 گوش نمیداد و وساطت نمی نمود - من از مشاهده این
 حال چنان پریشان شده بودم که شماره چوبها را
 فراموش کردم اگر (خبر نگار جریده مزبوره وضع
 مجلس محاکمه (ثمان العالی دمشق) و چوب زدن
 جناب (تمساح الملك) و الی قصبه (خیرت آباد را)
 دیده و شنیده بود البته از این حکم تعجب نمیکرد)
 آخر الامر مجرم مزبور دوزیر چوب سخن گفت که پس از
 شنیدن وی قاضی بفرامان اشاره کرد تا دست از وی
 برداشته و دوباره او را بحضور آورده نگاه داشتند و
 جواب بر سؤالی فحاشانه رد و بدل گردید - ما حصل

اینکه بتقصیر و جرعه خود اعتراف نمود آنگاه فرموده
 حضرت قضاوت پناه سه عدد چوب بزرگ که میانشان
 خالی بود آورده و بگردن وی آویخته و با ریسهای
 محکم فرو بسته بزندان کشیدند - آن چوبها باندازه
 سنگین بود که محتمل است استخوان کردن او در هم
 شکسته شود -

نظیر آن چوبها (دار منصوریت) که تقابلی
 در اویش بکار برد و آن دو کوزه بزرگ است که از
 آب مخلوساخته بگردن درویش مقصر در انداخته و برا
 چنان بر سرپا نگاهدارند که بستوی تکیه داده و دست
 و پا را بطوری مخصوص بر وی هم گذاشته و بحرکت
 ایساده بجای عجز و ناله و الحاح و تضرع بآهنگ خاص
 ترانه از دل بر کشیده می روند (ای والله - الآله)
 و کلماتی چند برین هنجار بر زبان راند و بر این
 منوال باشد تا مایه که دراهم معدوده را که جو جو
 بگدائی اندوخته است تسلیم مولوی صاحب نموده جان
 سلامت برد - گویا شمر شوی

چون قلم بر دست غداری بود

لاجرم منصور برداری بود

اشاره باین دار منصوری است که اندک چوبین
 کردن مجرمان چینی را از نقشه آن ساخته اند (بعض
 الشر اهن من بعض)

پس از آنکه مقصر مزبور را بمجلس بردند با
 چند تن دیگر نیز که یاران وی شمر میرفتند همین
 معامله اجرا یافت و مذکور شد که مدت حبس ایشان
 یکماه تمام خواهد بود چون از آنجا بیرون شدیم از
 رفیق خود پرسیدم که گناه این اشخاص چه بود -
 گفت خانه خود را قارخانه نموده در آنجا مردمارا
 دعوت کرده بجهیزگری مشغول می شدند - گفتم
 سبحان الله در صورتی که مجاهر را چنین پاداش دهند
 جزای مقامر چه خواهد بود گفت بر ایشان محنی نیست
 زیرا که اگر صاحبان منازل بر آنان در نکشایند چای
 برای قارمهها نتواند کرد - و اگر در بیابان بدین

عمل بردارند تخریب شصت تازیانه خواهند خورد در اینصورت مجاهر مشغول است نه مقاصد

ادب

دنیا قارخانه دیو است و اندر او
 این . یکیا گران همه درکار نقش و رنگ
 و آن خر بناسا که از اثر میکا گری
 یک ر بده مجاهره کردی گرو به منگ
 رجه .. (میکاگر) قار باز (بغا) محث (منگ)
 قار . حای آن است که خدا پرستان نهی از منکرات را
 در بنامه چین بیاموزند و سر حدیث (اطلبوا العلم ولو
 بالسن) را درین موقع مرا گیرند تا مال و جان و شرف
 خود را بی موحی مصروف لب قار نموده و قدح
 گرابها را بپوده در اینکار ناروا بر باد ندهند

این بابویه قدس سره در کتاب خصال از حضرت
 صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت
 فرموده اند پدر بزرگوارم حضرت باقر سلام الله علیه
 فرمود که بر چند کس سلام شاید کرد نخواست طایفه
 که حقهالی را پدر (هریز) بی دانسته اند

درم - فرقه که توحید را تثلیث نموده و کله را
 فرزند خالق اسما پنداشته اند

سوم - کسانی که فرمادهی عالم را درمیانه بزندان و
 (اهرن) تقسیم نموده و مانند مردم احوال دو بینی
 اختیار نمودند

چهارم - بت پرستان که مصنوع قدرت خود را صانع
 اشیاء و متصرف در امور تبارند

پنجم - باده خواران

ششم - لاعبان نرد و شطرنج

هفتم - مخشان یعنی (آنانکه سر اچه دل را از
 روزن پس روشنی دهد)

چون چنین مردم در بلاد برر بسیارند و سراسر
 دارای شوکت و قدرت می باشد مردمان غیور و
 خداوندان مروت و قوت را بدان آنها کنیم که اگر
 وقتی در بلاد گذر فرمودند محض حفظ حیات و

پاس شرف بآن جهات بدار اسلوك فرموده و بختوای
 منق شرع و عقل از قدیم سلام و رسم نخبیت در بیخ نظر مطیبت
 که بنده نگارنده جز این کردم و تا رستخیز پشیمان
 کانت قناتی لا تلین امامن . فالانها الا صباح والامساء
 هشتم - ربا خواران یعنی اغلب - و داگران و بنابرگانان
 و صرافان و بسیاری از صاحبان ثروت و نفوذ
 نهم - کسانی که بخلیه مشغولند (این فقره ذکر پشت
 دیوار قشاهها و کنار آبهای روان بدستی محسوس است
 دهم - اشخاصی که در حمام برهنه میباشند
 یازدهم - کسانی که فسق و فجور را بی پرده مرتکب
 میشوند

(انہی ترجمه الخبر)

چون نقل مزبور و حدیث مبارک را در این ایام
 بیان کردن و منع قار در راه رسان نمودن امری
 بخطر نزدیک است از بزرگان و خداوندان قدرت در
 خواست همی کنیم که بدین لغزش زبان بر ما خورده
 نگیرد و آسوده و فارغ البال نشینند که صاحبان جراید
 نیز مانند خطیبان مساجد از مستمع و مریدانی بهره
 و بی نصیبند -

خود پیشاهزم من و مأموم و مؤذن

خود واعظ و خود متعظم جله بیک تن

ترجمه از روزنامه نیویوریمیای روس

روزنامه نیویوریمیای روس که باید زبان وزارت
 خارجه روس گفت - در مسئله که عنوانش (انگلیس
 و ایران) است چنین می نویسد - که درین اوان سیاسیون
 انگلستان را رسماً این مسئله موضوع بحث است
 که دولین روس و انگلیس برادرانه و برابراه
 در اصلاحات لازمه ایران سعی و اقدام نمایند و این
 اصلاح منوط بر آنست که دولت روس تصرفات انگلیس
 را در حصه جنوب ایران تسلیم نماید - و در عوض
 دولت مشارالیه رسوخ و نفوذ روس را در صوبجات
 شرقی ایران مسلم دارد - و نگرانی ممالک متوسطه ایران را
 نیز تجداً و متفقاً تمام نمایند (که از دست بیرون آید)

مصون و محفوظ ماند واضح است در این صورت ملت و دولت ایران ترقیات نمایان خواهند نمود (گویا وزارت خارجه انگلستان در این ماده رسماً با وزارت خارجه روس و ایران بحث مینماید تا بدین اصلاح مقبوله دولت عایه ایرانرا بخودی خود و میلان قبی و شرف خاطر راضی نمایند

روزنامه موصوف می نویسد که خیالات سیاسیون انگلستان درباره تقسیم ایران و شرح حدود رسوخ و نفوذ هر يك از دولتین انگلیس و روس هیچگونه نمر و اثر بدولت روس نتواند بخشید - چه رسوخ انگلیسها در ایران کاملاً زائل شده و مسافرت (لارد کرزن) و حادثات بوشهر رعب انگلیسان را از قلوب اهالی ایران مرتفع ساخت - و هیچ اثر خوفی بر دولت ایران ازین حادثات ساری نگردد

دولت ایران را همایه قوی و دوستی دانا و توانا ند دولت روس است که هیچگاه نخواهد گذارد انگلیسها به سازش و فریب منفرداً با او معاهده نمایند که خلال در آزادی ایران حاصل شود - البته ممکن است دولت انگلیس نقشه دوستانه با دولت ایران مرتب سازد که حفاظت هند و قاره انگلیس در او باشد هر این صورت محتمل است دولت ایران بآن ترتیبات انگلیس و نقشه که کشیده تن در دهد

روزنامه مزبور می نویسد دولت ایران دارای آن منافع نیست که اصلاح پذیر نباشد - و یا خلال در منافع دیگران اندازد تا از آن رو لازم آید که این دولت را از میان مرتفع دارند - فقط تقصی که دولت ایران دارد در وضع اداره و اصول مملکت داری است و دولت روس سعی میباید که در منتهای عجله این تقص نیز اصلاح پذیرد - دولت روس قائده خود را در آزادی و استقلال سلطت و قوت و خود مختاری ایران میداند - انگلیسان را چون مقاسد ضد و مخالف مقصود روسیان در ایران است ابدأ در اصلاح اداره و اصول مملکت داری ایران سخن نمی زنند و در آن موضوع بحث نمیکنند

دولت انگلیس برای محافظت هندوستان چنان نقشه ترتیب داده که اقتدار و رسوخ و نفوذ خود را در جنوب ایران زیاد نماید و دریای خلیج فارس را مرداب قرار داده مخصوص بخود داند - و سرحد هندوستان را شط العرب قرار دهد - در صورتیکه این گونه اقتدارات را حاصل نماید راه آهنی را از سیستان تا جنوب ایران کشیده متصل براه آهن هند نماید - تا برسد براه آهن آسیای کوچک - ازین قاعده و نقشه که کشیده هائی میان روس و دریای آزاد کشاده خلیج فارس بیندازد اخبار مزبور مینویسد که دولت انگلیس بقین بداند که هیچگاه دولت روس با خیالات او در باب تقسیم ایران تن در نخواهد داد و تأیید مفاسد او نخواهد نمود و هماره در نگاهداری آزادی و اقتدار دولت ایران و آبادی آن مملکت سعی و جاهد خواهد بود

جبل المبین

مقاصد سیاسیة دول بحسب اقتضای وقت تغییر می نماید تا چندی قبل اقتضای سیاست انگلیس درین بود که سلطت ایران مستقل و مقتدر باشد - امری ز بقول روزنامه (نوبوریا) مقتضای سیاستش آن است که دولت ایران را از میانه بردارند و برادروار با دولت روس که قریهات اظهار خصومت داشته و دارند تقسیم نمایند و چند جریب زمین را فقط برای نام بنام حد فاصل و دولت ایران باقی گذارند - مانند امیر بخارا یا یکی از امرای هند - الا ایند آنها تابع يك دولت اند آن ایران موهوم تابع دولتین مشارالیه باشد

همین قسم زطانی اقتضای سیاست روس بر این بود که دولت ایران از میانه مرسع شود - انگلیسها مخالف با او داشتند - امروزه مقتضای سیاست روس به اقتدار و استقلال دولت ایران است - بقول اخبار (نوبوریا) انگلیسها ضد آنند درین دور و تسلسل دو همسایه شمالی و جنوبی و دو دوست یمنی و یسار باینکه قریهات دولت ایران دوجا کشاکش میباید هنوز رجال آن دولت از خواب غفلت بیدار نشده بخوابش بیامد دوست از دشمن

نشاخته. و هر زمان که تا یکی از این دو ستار جانی ظاهر
 محبت ... کرده نزد عشق باخته ایم - تا یک اندازه
 از اقتدار خود کاسته و تا درجه نافع ملک و ملت و
 دواب را باخته - با این همه تا امروز بهوش نیامده ایم
 لعنف انجاست که با این همه خسارات بینه با هم
 بهذا ... از غیر سایمه و برخی از رجال مغرور
 بی علم و خیر ما ... ک روس و جماعتی مؤید سیاست
 انگلیس اند - ایر امر را نمیدانند که نه روس و نه
 انگلیس ... و خولشاوندی ندارند - و در
 صورتی که این همه در معاملات سیاسی خوشامدین را
 به چاه افتادند - معاندت ده آئین از ایس و
 روس - و آسای فرانس را حتی خود ایشان اندکار
 ندارند و - آسای است و است اتصال سبشان با هم
 برآید ... است

... در آن می نند و آنچه ... گرچه ظاهر برای
 ما مفید و نند و همراهی ما باشد - در نابل طرف
 سیاست خود را ملاحظه زده اند - امروز وضع است
 اروپا ... قرار گرفته نه هر دو دولت دست زنگار شد
 ویرا شمار نماید - از ودم دو دولت کوچک و بزرگ
 ژاپون و چین این نکته بوی استنباط دارد شد
 هرگاه دولت ایران بوضع ترقیات زمان حرکت نه
 نماید - و اگر نمیتواند سازند - دولت در حرکت شکاربان در
 ایران استمداد را اولاً حاصل نماید نه بیست جمله همسایگان
 شکار شود و باساره است و استمداد تهیه نماید که
 همسایگان را بیم از شکار او ساری شود - لاجله روزی
 در رمة شکارهای دور اروپا در آید و عاقبت بین
 روس و انگلیس تقسیم شود دولت ایران نباید به حمایت
 ظاهری یکی دو این روس و انگلیس مانع شود که عاقبتش
 وخیم است و آخر الامر ... را خواهد دید -
 هرگاه رجال خود غرض جاهلی ایران از بعد مسامحه
 ترکمان جای بدوستیهای همسایگان مغرور شده در صد
 اصلاح ملک و ملت و ترقیات قوای حربیه خود بر

آید بودند به ملک ایران تا این درجه محدود می شد
 و به امروز احدی از دول را آن اقتدار بود که
 زنی از تقسیم ملک ایران زبان آورد - و اگر باز هم
 بهوش نیائیم و به خود آسانی نه پردازیم بزودی بین
 دو همسایه نهال و جنوب خود تقسیم خواهیم شد -
 بر واضح است چنانچه ذکر شد باقتضای سیاست
 و باتیک گام انگلیس و گام روس محرک تقسیم ایران
 بوده - - نهایت چون یکی را با تقضیات سیاست
 توافق نکرده سالم مانده ایم هیچ بعد نیست که
 وفق سیاست این دو دولت در تقسیم ما توافق نماید
 و در ... دیگر ما را مال المصالحه قرار دهند
 چنانچه معسر و مراکو مال المصالحه اتحاد دولتین فرانس
 و انگلیس گردید

این مرآتیی که ذکر شد همه حسی است - و
 احدی را حله انگار نیست زحما غیور راست که ملت
 و ... ایران متنبه از واقعات حتمی لوقوع آتیه نموده
 بهوش آید - اینک او را بدوستی یک از همسایگان پشت
 گرم کرده روز سیاه به نشانند - امروز روز همه
 گ ... است ترقی برای ملت و دولت ایران مهیاست
 ترقیات چهل ساله ملت ژاپون که امروزه
 اوین دور متمدن عالم که روس است در مقابل
 با او چشم میزند باید مرمشق قرار داد - دولت و ملت
 ایران در عهده ده سال میوانند ترقیات چهل ساله
 ژاپون را حاصل نمایند - بخدا قسم ضرور این رجال مغرور
 جاهل که بزرگی خود را در چاپیدن و بنها نمودن مال
 ملت و دولت میدانند - ما را از جنگال دشمنان نجات
 نخواهد داد - آنچه ما را از دشمنان رها میتواند
 نمود همانا اتحاد ملت و دولت است و تأیید ملت بدوات
 تا دولت آزادی افکار و قلم بملت خود نهد و ملت
 اطمینان بدوا - خدیش نداشته باشد آن ملت قابل بر
 اینک بتواند دولت خود را تأیید نماید نخواهد بود -
 افسوس که رجال خود غرض ما تا کنون بزرگی را در
 استبداد رأی و زدن و بستن و کشتن باختیار میدانند
 راه دور نمبریم تاریخ ترقی دولت چهل ساله ژاپون
 موجود است ملاحظه شود که این دولت جوان میجه

اصول و بجه وضع ترقیات عبرالمقول نموده است که
 حواقی مانند انگلیس که اول دولت روی زمین تسلیم
 شده با کمال افتخار با وی عقد اتحاد می بندد
 بر هر کس روشن است زمانیکه ملت ژاپون بای بدائت
 ترقیات نهاد یعنی چهل سال قبل وضع است و دولت
 ژاپون از حال امروزه ملت و دولت ایران بهتر نبوده
 و اسباب ترقی هم برای او مهیا تر از امروزه ما نیست
 بالجمله بارها نوشته باز هم می نویسیم تا زمانیکه
 دولت ایران آفتدوت و تسلط را حاصل نه نماید که
 بدون معاونت خارجی بتواند در مقابل هر یک از همسایگان
 خود ایستادگی جواب (کلوخ انداز را پادشاه سنگ
 است) بدهد باید میزان دوستی خود را با دو همسایه
 جنوب و شمال خود معتدل قرار دهد و هرگاه غیر از
 این مسأله اختیار کند تیشه بر ریشه القدار خود زده
 است و در عین اتحاد و دوستی باید ازین دوستان
 صمیمی خود احتراز و اجتناب نماید - و هیچگونه امتیاز
 بهیچیک از آنان ندهد و وسوخ و نفوذ آنها را
 نگذارد در داخله زیاد شود هر یک از افراد ملت که
 دولت را بدوستی یکی ازین دو همسایه پشت گرم کرده
 مغرور دارد - یا از عوالم سیاست بی خبر است و یادشمن
 ملک و ملت و دولت است چه امروز روز بعضی از
 غرنکی مآبان ما هستند که تمدن و دانش و خیرخواهی
 وطن را فدای امراض شخصی نموده بدوستی هوا
 داری یکی از دو همسایه افتخار کرده اهالی را بمسلك
 خود دعوت می نمایند

وقایع نگار (طمس) بمبئی مینویسد که مسافرت لار
 کرزن در خلیج فارس و کدورتیکه در عدم پیاده
 شدن بوشهر (لارد کرزن) را پیش آمد دولت روس
 ذمه دار است - ازین رو وقایع نگار مزبور غایت
 اندیشی (لارد کرزن) تمجید مینماید که در بوشهر پیاده نش
 و می نویسد فعلاً دولت ایران از عدم رسالت (لارد
 کرزن) و واقعات بوشهر آشفته و همراه ک
 میشود - و چنان مفهوم میگردد که حرکت و
 علاءالدوله در بوشهر نسبت به (لارد کرزن) خود
 سرانه نبوده و همه بدستور العمل دولت که کایه
 روس است بوده - مسلك روس برخلاف حرکات
 (لارد کرزن) خیلی مدبرانه و هشیارانه است مستحق
 جنگی روس (تراوار) نام یک روز قبل از ورود
 (لارد کرزن) در بوشهر رسید و چند ساعت قبل از
 رسیدن (لارد) برای آنکه ملاقات نشود از بوشهر
 حرکت نمود (لارد کرزن) بمجردیکه از بوشهر حرکت
 کرد قواصل روس که باید مدتی قبل وارد بوشهر شده
 باشد و در شیراز محض اینکه در حین ورود (لارد) در
 بوشهر نباشد توقف نموده بود بعد از رفتن لارد وارد
 بوشهر شد و بیرق روس را بلند کرد

در این آشاخبر رسیده که در مرحد بین قشون ایران
 و روس جنگ خفینی پیش آمده ده - ایران درین ماده
 نیز خیلی آشفته خاطر است

حبل المتین

آنچه در ماده فرود نیامدن (لارد کرزن) در بوشهر
 موقتاً خبر رسیده نه اشاره از جانب روس بوده و نه
 تقصیری بر مأمورین ایرانی وارد است - هرگاه بگوئیم
 سهوی شده آن سهو از جانب سفارت انگلیس تسلیم
 خواهد شد که پروضام دولت ایران را در ورود (لارد
 کرزن) در خط رسمی قبول کرده و (لارد) اطلاع
 نداده بود - دولت علیه ایران مطابق خواهش (سرآر
 تهرهاردنج) سفیر انگلیس تمیل پذیرائی را نموده
 و مطابق پروغرامی که در خط رسمی تصفی شده بود

ظاهرات که روزنامه (نویوریچیا) آنچه مینویسد
 مبنی بر مصالح سیاسی و پانیک روس است و هیچگاه
 خیر ما را نخواسته و نخواهد خواست ما راست که بفکر
 مصالح خود افتاده باین سخنان ابله فریبانه گول نخوریم
 گنج شونه گنج جو خوشتر کدام انصاف ده
 طم شکر داشتن با طمع شکر داشتن
 ترجمه از روزنامه طمس بمبئی
 مسافرت لارد کرزن در خلیج فارس

موضوع با اداره خبری نرسیده منتظریم که خطوط وقایع نگاران اداره آمده کشف این امر بشود

انقاد مجلس جشن

بشارخ سوم فی قنده در عمارت عالی کاوب مغفیری محض احترام خلائع اساطین دین مبین و مروجین شرع انور عالس جشن پر شکوهی منعقد و هموم همایند اسلامیة و جماعتی نیز از سائین در آن مجلس روح بخش شرکت داشتند. جناب تعالی شریعت مدار همه العالماء الاعلام آقا شیخ محمود گیلانی شمس العلماء که امر روزه سمت ریاست روحانی کلیة فرقة اثناعشریه را در این نواح دارند. نطق باینی داده و شرح مبسوطی در خدمات روزنامه مقدس حلی المائین و مؤید الاسلام باسلام و اسلامیان بیان کرده. پس از دعای قوت و شوکت دولت اسلام و از دیاد عمر و اقبال ذات اقدس مقدس شاهنشاه اسلام بیان پناه خلدانکه ملکه ادعیه خالصانه در حق احق عالمه راشدین و اساطین دین مبین ادام الله ظلالم نموده. از اقدامات مجدانه و مساعی جمیله آن بزرگواران در اصلاح امور ملک و مات اسلام نبذی از جانب خود و عامه اسلامیان تشکر کرده. و اظهار مسرت نمودند که بمجدانکه امروز روز رجال دولت و رؤسای روحانی مات متحداً در ترقیات اسلامیان مساعی جمیله بکار برده اقدامات مجدانه نمود دوام در میدان ترقی مبتنازند

از آن بعد يك يك خطوط حجج اسلام واقرائت و خلائع اساطین دین مبین را زیب دوش اقتحار مؤید الاسلام ساخته تبریک گفته مجاسیان نیز همه آوازها را به تبریک و تمهیت بلند نمودند

از آن بعد مؤید الاسلام نطق باینی در خصوص اقدامات اساطین دین مبین در اصلاحات امور و هدایات مسامین داده اظهار تشکر از قاطبة عالمای اعلام خصوصاً حضرات مولی و حجج اسلام آنرا که امتالم که بتخلع قاهره اعضای نامه مقدس را منتخر فرموده اند رطب اللسان گردید

سبس شربت و بیرینی صرف شده مجلس برخاسته شد

تأمین خود دستور العمل فرستاد. امورین دولت هم محلی از آن نمی توانستند نبرد. بقیناً اگر (سر آرتهر هاردنج) سفیر انگلیس پروضرام را قبل از آیکه قبول نماید به (لاردرکزن) بذریعه تاکراف پیش نموده رسایت از ایشان حاصل کرده بود این مسئله تا این پایه کتب اهمیت نمی نمود. هرگاه سهوی رفته در همین نکه بوده است اخبارات انگلیسی که از عنوان را بنحیال خود هر روز قسمی غاطسانه می نویسند غالباً از حقیقت امر واقف نمی باشند. چون ولت انگلیس میدانند که سهوی از جانب او، و این ایران نشده هیچ گونه تکداری حاصل نه نموده. و نیز دولت ایران را جهت وسای نیست که از اینگونه سرانگ که در عوالم سیاست هیچگونه اهمیت ندارد. هرگاه که در آنها همه آب و رنگهای اخبار نگاری است. ورنه هیچگونه خبر خارجی و تکداری بین دولتین عتین نیست

اما اینکه اخبارات انگلیسی مینویسند اینها همه از اشارات روس میباشد رقابت دولتین روس و انگلیس بر احدی پوشیده نیست. و نیز این امر ظاهر است که در هر میدان این دو دولت رقیب در تقام خاک سیاست و رنوخ خود اقدام داشته و دارند. در معاملات ایرانم این دو رقیب هماره همدوش و مخالف با یکدیگر حرکت کرده هر یک در مقاصد خود کوشانند. ولی در مسئله ورود لاردرکزن به بوشهر نمیتوان گفت اقدام روسها بر ایران آر کرده باشد. و اگر چنین بود چون ورود (لاردرکزن) در بوشهر رسمی نبود دولت عالیة ایران بهیچ وجه قبول پذیرائی نمی نمود. و بحسب خواهش سفیر انگلیس پروضرام پذیرائی ترتیب نمی داد

ازین ظاهر است که در این ماده الزام بر هیچ کس نتواند داد. چه از روی پروضرام دولت ایران معمول داشته. هرگاه در تبدیل پروضرام گفته شود که روسها مانع دولت ایران شده اند بید نیست ولی این امر هم چندان قابل اعتراض نتواند بود. من باب جنگ قشون سرحدی روس و ایران تا کنون در این

حبل المتین کاکته

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

کلیه امور اداره

مدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم اداره

اقامه جواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

۱۳ ذی قعدة ۱۳۲۱ هجری

مصادف

قیمت اشتراك

سالانه شش ماهه

هفتاد و برمه

۱۲ روپيا - ۱۲ روپيا

۱۰ روپيا - ۱۰ روپيا

۵۰ روپيا - ۵۰ روپيا

۱۰۰ روپيا - ۱۰۰ روپيا

۱۰۰ روپيا - ۱۰۰ روپيا

۱۰۰ روپيا - ۱۰۰ روپيا

۳۰ فرنك - ۱۷ فرنك

۳۰ فرنك - ۱۷ فرنك

روزنامه مقدس

حبل المتین

سنه ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

۱ فروری ۱۹۰۴ میلادی (خریداران نباید قیمت اخبار را ناسمی نمایند) (۱۰ منات - - ۶ منات)

در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

مراسلات عام المذمه مبول و در انتشارش اداره آراست

فهرست مندرجات

- تلگراف طهران
- تلگرافات
- مکتوب بی مرضاه
- داستان روسیا
- ترقی جوان وطن را بشارت ایران
- حبل المتین
- اعجاب المسلمین
- مکتوب از اسلامبول
- کاهکشان
- خدمت صوفی غیر مرتضی بصید مرادید
- حمام سگها
- رنگون
- مکتوب کربلا
- استفاده و نوبه نافع
- مکتوب یکی از رجال باداش
- حبل المتین
- مدرسه سیاره
- اختراع عجیب
- نقل از روزنامه شریفه بوروز
- حبل المتین
- بقیه تلگرافات

تلگراف طهران

(ششم ذی قعدة)

وزارت اعظم ایران

بموجب خبر تلگرافی اعلی حضرت اقدس شاهنشاه
ترقی خواه ایران خلدالله ملکه بواب اشرف والا شاهزاده
عین الدوله را که از شاهزادگان بزرگ و رجال ما کفایت
و سیاست عهد هایون و بملو حسب و سموس و
جوهر دانش و لیاقت مکتوب معروف و بمصاهرت

ملوکاه نیز بمعراج وزارت اعلی دولت علیه ایران
انتخاب فرمودند

شاهزاده عین الدوله تاکنون در هر شغلی از
مشاغل جایله دولت و خدمات شخص شخیص سلطنت
بوده جوهر ایساق و کفایت بروز داده آمد - در ایام
و ایامی اعلی حضرت ملوکاه به بشکاری و حکومت
تبریز نائل - در ابتدای حلوس میمنت مانوس شهریاری
بمحکومت مازندران و سالی چند محکومت عربستان و
اینک چهار سال است که حکومت دارالحلایه طهران
به شخص شخیص ایشان راجع و هماره جلب توجیحات
مخصوصه ملوکاه بوده اند - او در ایام در این مقام مزین
که نیک بختی و سعادت حال و آینده مات و دولت
ایران در بد قدرت و کفایت ایشان قرار گرفته
بمحکومت مدبرانه و اقدامات دانشمندانه نام نامی
سودشانرا در سر لوحه دفتر ترقیات ایران ثبت فرمایند

تلگرافات

(۳ ذی قعدة - ۲۲ حدوری)

غیر (روت) عدة قشون روس را در (منچوریا)

یکصد و پنجاه هزار می نویسد. و دوست و شصت و شش مراد توپ نیز تا کنون وارد منچوریا نموده. در وقت جنگ هزار و باسد و نجاه و سه مبل راه را روس باید حفاظت نماید. حسه زیاد جهازات جنگی روس در بندر آرتر اند

§ اگرچه تا کنون دولت روس در مسئله متنازع فیه از ژاپون خواستگار حکمیت و ثانی شده. ولی دولت ژاپون برای سد باب گفتگو رسماً دول ساثره را اطلاع داده که حکمیت و ثانی در معاملات اقتصادی شرق نتواند شد

§ افواهاست که دولت ژاپون اندکی در خیالات خود تدفی نموده (بارن هباشی) سفیر ژاپون در نیم لندن انکار از این معنی کرده اظهار داشته است که دولت ژاپون ابداً تردید خیال و تبدیل حواشات و برمی در مطالبات نکرده و نخواهد کرد

§ مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که دولت چین برای نگاهداری و محافظه خود اراده دارد اردوی نظامی خویش را در خارج دیوار اعظم چین مرتب نماید که هماره بتوانند امنیت داخله را برقرار دارند اقدامات چین در نظم و ترتیب قشون مبنی بر حفظ خود و انتظام بممکن خویش است نه طرفداری یکی از دو ائین متخاصمین

§ دو کشتی جنگی با شش فرزند کشتیهای موشک روس از کنسال سویز گذشته چون سه فرزند آنان مرمت طلب بود برای مرمت فرستاده است

§ (سر جان اندرسن) فرمانفرمای (استریت ستامنت) مقرر شد

§ محض کسادی بازار لندن پانزده مایون رویه که برای ترسوال اراده بقرض بود موقتاً ملتوی گذاردند

(۴ ذی قعدة - ۲۳ جنوری)

§ وزیر مختار دولت آنازونی متیم (سیول) به و سنگن) خبر داده که در (کوریا) بلوا بالا گرفته در مقام اهالی بر مخالفت ژاپون کر بسته اند میبجر جبرل (احییجی) ژاپونی در (سیول) بسر داری قشون

مقرر شده میگویند فرستادن این جنرل را در (سیول) برای حفظ قشون ژاپون از اقدامات غیر مترقبه بوده است § رئیس (سئی مدلیند بنک) لندن اظهار نموده که دولت روس سرمایه خود را در این جنگ رفته رفته زیاد می نماید چنانچه در سال (۱۹۰۱) هفتاد و هشت مایون بوده در سال (۱۹۰۲) به نود و دو مایون رسانیده است

§ بموجب خبریکه از (نیوجوانک) رسیده شش هزار و قشون روس داخل شهر شده اند

§ مخبر (روتر) از (سیول) خبر میدهد که دولت کوریا اظهار داشته که در جنگ روس و ژاپون بی طرفی اختیار خواهد نمود. سفیر انگلیس این مسلك دولت کوریا را پسندیده است

§ بموجب خبریکه از (توکیو) رسیده بی طرفی اختیار نمودن (کوریا) در وقت جنگ با اشاره روس است

(۵ ذی قعدة - ۲۴ جنوری)

§ در جزائر (نچی) طوفان شدیدی ظاهر و جماعت تلف شده اند مقام (سیوه که) و (سوده) کاملاً ویران شده کشتیهای زیاد نیز غرق و شکسته است

§ در قصبه (دالیساند) در (ناروی) یکشنبه گذشته حریق سختی بوقوع رسیده هزار و دویست نفر را بی خانمان نموده. چون فصل و موسم مساعد نیست خوف آن است که تلفات زیاد در اهالی آن قصبه نمودار گردد. امپراطور آلمان یکی از مصاحبین خاصه خود را با کشتی جنگی در آن نواح فرستاده تا ندادارکات لازمه را بنماید

§ مخبر (روتر) از (صوفیا) خبر میدهد که اغتشاشات بلقان رور افزون بالا میگردد دولت عثمانی در سرحدات خود بگرد آوردن سپاه مشغول است. مأمور تذکره عثمانی تذکره کسایکه از بلغسان بخاک عثمانی میجوایند بروند امضا نمی کند

§ در ساحل دریاچه (رودلف) واقعه غیر مترقبه

§ بموجب خبریکه از (پکن) رسیده رئیس مترجمین سفارتخانه امریکا به واسطه قونسلی (مکدن - دان - آنتک) مأمور و رهسپار گردید

§ روزنامه (دل) لندن می‌نویسد که هشتاد هزار نفر از ول درجه قشون روس را از پتسبرگ حکم بخرک شده و در خبر وادسه و خاکوف نیز امر رسید که قشون آماده حرکت شدند

§ از شهر (ریس) خبر رسیده که پنج الی هشت هزار نفر بوسازد (وند هوک) بر مخالفت دولت آلمان کمر بسته و چند نفر قشون آلمان را قطعه قطعه کرده اند اووا است که فرقه (هانتاب) جماعتی از قشون آلمان را معدوم صرف ساخته اند

§ امپراطور آلمان بانصد استرلنگ برای مصیبت زدگان (آستراند) فرستاده اند

§ خبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که دولت چین کمال توجه را دارد که بین روس و ژاپون صلح شود
 § از پتسبرگ خبر رسیده که دولت روس جواب ژاپون را پس از چند روز خواهد داد جواب را در این کسرت روس با کمال سنجیدگی داده و بنابر این مخبره رسمی را بوسیله داده است که در آنجا جای بحث باقی ماند

§ سفیر روس در (پتسبرگ) اعلان داده است که دولت روس به بی طرفی (کوریا) در جنگ رضا نخواهد داد
 § یکصد و هشتاد هزار عملجات معدن در (هاردنج) زمین فرو رفته پنهان شده اند مشکل است کسی از آنان از این آفت جان سلامت برد

§ وقایع نگار (طمس) لندن از (توکیو) می‌نویسد که سپاهیان روس در (ولادی وستک) بخاک آمده بنای شمرات را مهاده با ژاپونیهایی مقیم آن سلمان بدسلوکی پیش گرفته چنانچه هنگ عصمت یکی از زنان ژاپونی را علانیه نمودند

(۸ ذی قعدة - ۲۷ جنوری)

§ خبر (روتر) از بندر (آرتھر) خبر میدهد

پدیدار شده - یعنی فرقه (ترکیزان) بر جماعتی از عملجات افریقای جنوبی حمله آورده بسیاری را بقتل رسانیده اند دولت آلمان دو دسته از قشون ساخلوی ساحل (اتلانک) را بحساب (آستد) روانه نموده که در نظ و حراست مصیبت زدگان مساعی جویله بکار برند
 (۶ ذیحده - ۲۵ جنوری)

§ خبر (روتر) از بندر (آرتھر) خبر میدهد که دولت روس به تمام اهالی بندر (دالی) حکم نموده که اسبهای سواری خود را به نمایندگان دولت بجاوند

§ بواسطه هیاهوی جنگ ژاپون و روس در راه آهن منچوریا اغتشاشات کلی احساس میشود چه در مال و چه در طابریں سیل بی قاعدهگی تمام نمایان است

§ بموجب خبریکه از (وامارلند) رسیده از مخالفت اهالی قشون آلمان را در تصرف نمودن (اوکاهاونجا) سدمات بسیار و نقصانی بی شمار رسیده است

§ (کرنل لنج) آئرلندی را که از جانب برنسوالیان با انگلیسان بمخاک در آمده بود و بدو آقاصی عدالت حکم بقتل او و سپس به حبس دوام محکوم شد اعای حضرت ادورد هفتم چون وارد آئرلند شدند محض خوشنودی اهالی کرل موصوف را مرخص فرموده از جرمش در گذشتند

§ در بلوای اهالی (اوکاهاونجا) بدو اینج نفر بقتل رسیده از آن پس متفقاً اهالی (وند هوک) حرکت کرده در مقام (نبوی) سی و هفت نفر سپاهیان آلمانی را بقتل رسانیده اند دولت آلمان بتسازگی سیصد نفر قشون فرستاده است

§ مجلس وزراء انگلستان یوم دوشنبه منعقد شده چهار ساعت کامل بحث نمودند

(۷ ذیحده - ۲۶ جنوری)

§ خبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که اعضای حکومت (کوریا) طرفدار دولت ژاپون معلوم می‌شوند

که دولت روس در جمع آوری هشت هزار قشون در ساحل رود خاآ (پولو) امر فرستاده و سبب را محافط ژاپویهای آن سامان جلوه میدهند
 ❧ جماعتی از اشرار بلغار که بالغ بر هزار نفر بوده اند بوم دو شنبه از سرحد خود گذشته از قرب (بالکا) عبور نموده با قشون ساخلوی عثمانی اندکی از در مانزعه بیرون آمده اند

❧ در حوضه سیاسیون پترسبرگ افواه است که اختلاف روس و ژاپون فقط درباره ضمانت (کوریا) میباشد دولت روس سعی است که حصه جنوب (کوریا) آزاد باشد ژاپون کوشان است که (کوریا) مطلق آزاد و (منچوریا) کلیه بچین واگذار شود

❧ سبریکه امروز از (توکیو) رسیده ظاهر میدارد که دولت ژاپون از سفیر روس مطالبه جواب نموده ازین ظاهر میشود که دولت ژاپون میخواهد فوراً امر را بیکطرفه نماید - ولی بعضی را عقیده بر این است که ژاپون زیاده مطالب را طول نداده بمصالحات مائل خواهد شد - و جماعتی میگویند که بمجرد رسیدن جواب روس دولت ژاپون اعلان جنگ خواهد نمود

❧ وقایع نگار (طمس) لندن از (پکن) می نویسد که روز جمعه (پرنس جنگ) از (مسیدوبل) سفیر فرانسه سؤال نمود که آیا فرانسه با خیالات انگلیس و امریکا در اعتراضات ژاپون همراهی خواهد کرد یا نه ؟ سفیر فرانس جواب داده که دولت فرانسه با خیال بر این است که خدمت مایمانی در اتفاق با امریکا و انگلیس بنماید و درین ماده نیز تا کنون مساعی حبیله دارد

❧ در جواب (پرنس جنگ) بسفراء دوالتین انگلیس و امریکا مشکلاتی چند رخ نموده پرنس جنگ اظهار داشته که دخالت دول مشترک برای اصرار سفیر روس بوده است

(۹ ذیحده - ۲۴ جنوری)

❧ بکصد و پنجاه هزار تن برنج برمه را ژاپون خریده - مقاطعه کرده است که در سه ماه اول سال مسیعی بژاپون وارد شود تاکنون سی و سه هزار تن برنج بژاپون رسیده

است (تن پست و هشت من و مز) سیر و سپر دوپست مقال است)

❧ ریاست شاهزاده (الکس الکساندروویچ) مجلسی که در پترسبرگ منعقد شده بود وزیر خارجه و وزیر جنگ و سایر سرداران روس نیز شرکت داشتند نیم ساعت مجلس طول کشید آنچه استفاد می شود تشکیل این مجلس برای آن بوده که مسلك صلح را دولت روس اختیار نماید - و مفیده جماعتی بر این است که شاهزاده (الکس الکساندر و یچ) رپورتی آماده نموده که نزد امپراطور ژاپون بفرستد - جواب روس بوم شنبه بژاپون خواهد رسید

❧ در (دانکودر) افواه است که دولت ژاپون پست فرزند کشتیهای تجاری را از کپتی (نین یوسن قیصا) جاره نموده طلب کرده است

(۱۰ ذیحده - ۲۹ جنوری)

❧ روزنامه (دیلی گرافیک) مینویسد که جواب ژاپونرا روس روز چهارشنبه آماده نموده بامضا رسانیده است ولی تاکنون فرستاده نشده - مسوده آنرا رسماً برای سفیر ژاپون در (پترسبرگ) خوانده و سفیر مومی الیه بدولت متبوع خود مراتب را اظهار داشته و ژاپون نیز بدولتهای دوست خود اطلاع داده است - جواب روس خیلی با الفاظ ملایم و ترشح خوش اخلاقی از او میشود ولی لفظ چین را در او شامل نکرده است که سابق در مراسلات بود که دوالتین ژاپون و روس متناً استقلال چین و کوریا را منظور دارند - افواهاست که بمجرد رسیدن جواب رسماً روس ژاپون سفیر خود را طلب کرده برای حفظ حقوق خویش اعلان جنگ بدولت روس خواهد داد

❧ (دیپلک آف ملبورن) در جواب کمیسون زارعین

که ارضی در جنوب افریقا برای کشت پنبه خواسته بودند اظهار داشته که متاسد این کمیسون را مفید بحال مات و دولت تصدیق مینماید

مکتوب بی‌غرضانه

مؤیدالاسلام - ایدکاته تعالی بتأییدہ پس از طی مراسم دعا گوی زحمت عرض میدهد - درنمره (۱۸) نامه مقدسه صاحب مکتوب شیراز من باب قانون جدید بستخانه شری شکایه آمیز نگاشته که قدری بجا و قدریش بجا بود

اما آنچه بجا میباشد آنست که مأمورین دولت حق بازکردن مکتوبی که در آن مکاتب متعدده میباشد ندارند - با آنکه این قانون در اغلب دول مجری است. که زیاده از یکخط را نباید در یک پاکت نهاد و هرگاه در یک پاکت بیش از یک مکتوب باشد صاحبش را جریمه میکنند. این مطلب اختصاص بایران ندارد - ولی چون دولت علیه تا کنون مسامحه نموده حال که میخواهد احقاق حقوق خود را بنماید رعایا بفریاد میآیند. و اعتراض میکنند اگر چه نمیتوان از حق گذشت جمله شکایه رعایا از دولت نتیجه اهل دولت است در تکلیف خود که اجرای قانون ملکی و مشورتخانه اتی باشد - زیرا هرگاه قانون و مشورتخانه داشتیم و همکاری موافق آراء رجال خیر خواه دولت و ملت انجام میشد احدی را جای اعتراض نمیاند - و هیچکس را یارای دم زدن نبود اگر بکنفر از راه جهل اعتراض میکرد هزارها جواب میدادند که چون مطابق رای دانشمندان دولت و ملت است البته منوط بحکم می باشد. افسوس که زبان گویندگان از تقریر و بنان نگارندگان از تحریر خسته شده و ابدأ برجال خود غرض دولت تأثیر نکرده و جزاین جواب بگوش نرسیده که (من گوش استماع ندارم لمن قول) اما اعتراض صاحب مکتوب که بجا میباشد آنستکه مأمورین بست حق آنرا ندارند خطوط دیگر آنرا گشوده از مطالب آن باخبر و مستحضر گردند - این اعتراض باعمل است زیرا که در خطوط تجار اکثر بروات و بیگ و نوت فرستاده میشود از آن گذشته مطالب تجارقی محرمانه بسیار بایکدیگر مخبره که دیگری نباید بر آن اطلاع یابد و اهالی بستخانه های ما چنان مردم با تدین نیستند که از خیانت و خطا برکنار باشند چون چنین حکمی در دست داشته باشند موجب ضررهای کالی بصاحبان خطوط خواهد گردید اگر این قانون بدون نرمیم ماند

هزارها ضرر رعایا وارد میآید و اگر موقوف شود نقصان دوات است پس بهتر آنکه باین نحو قازن را اجرا نمایند که هر خطی را شبهه دارند در حضور صاحب خط باز کرده اگر زیاد از یکخط است بموجب قانون مزبور عمل نموده زیادی آنرا بگیرند و اگر یک خط است بدون خواندن و اطلاع از مضمون آن بصاحبش رد کنند و قدغن شدید بشود که مأمور بست حق باز کردن خطوط مردم را جز مقابل صاحبش ندارند و اگر احیاناً باز کردند اول سزا بعد از آن معزول از خدمت شوند

خیر خواه ملت و دولت (م - ص - ح)

داستان روسیا

(عطف بانبق)

پدرودگفتن پادشا پروسیا این جهان را

این پادشاه خردمند با دانش که اورا (فردریکوس بزرگ) مینامیدند پادشاهی بود آگاه و با هوش نیکو روش خوش خوی و پیوسته بنیواندن نامه های باستان و سرگذشت پادشاهان و هرگروه از مردمان جهان میرداخت - همواره با دانشوران و بخردان گفتگو مینمود - مردی بود هنرمند و چندان متر اندوخته بود که در هنر یگانا دوران و در دانش بی مانند و در میان نامه نگاران جهان و (فلسوفان) دوران همتا نداشت و در دور اندیشی و کارهای شاهانه یکتا و در هنر جنگاوری پهرمتا. در جهان جنان زیست که همه داستان نگاران در ستایش او هم زبانند و پس از پدر چون بر او رنگ شهریاری برآمد کشور و پادشاهی او در میان اروپا بیایه دوم و سوم بستن گرفته بود و پادشاهی گنام و نشان بود - در جهل سال پادشاهی خود در کار سپاه و ساز جنگ کوششها نمود و در جنگ همت ساله با آنکه فرانسه و اتریش و روس با هم همدست شده و ناگاه بر او تاخند و بیشتر فرماندهان آلمان بیایه تباهی رسیدند او پای مردی فشرده سرانجام فیروز منماه دشمنان را از خاک خود رانده و گذشته از آنکه دشمنان را گریزند بر پهنای کشور خود افزوده کار را بجائی رسانید که اروپائیان از او در هر امر

بودند - پس از آن در نخستین پایه با سرفرازی و خوش بختی پادشاهی میراند و یاسایی که در کار بود نهاده و چون همگی اندیشه اش آرامی و بهره مندی زبردستان بود آیین های بیکو نهاد - و در استواری آنها در نخستین پایه سکویش نمود و برپا نمودن کارهای بهره بخش رنجها برد و از همه بیشتر در کم بکار بردن زر میگویند - و بر آن رأی بود که سرفرازی و فزایش و نمایش و زرگواری در پرتو سپاه فراوان آماده میگردد و از باده پیمایی و کامرانی در نخستین پایه بزار بود - و بهر کاری که خود را از آن کار ناگریز میداشت بدون بیم و هراس بدان میپرداخت - و از بفل خوابی بازن خود کناره جوئی داشت و خود را گرفتار هوس نمی نمود - بفرزوی گنج و نام و سرفرازی مدکوشید همه روش و کردار او را داستان نگاران روز بروز نگاشته اند و از آنچه دشمنان و بیگانگان درباره رفتار و کردار او نگاشته اند زرگواری او پیداست - و پایه سرفرازی گروه پروسیاتیاست

گذارش بازرگان و سوداگری روس با انگریز
دویست و شست سال پیش از نگارش این نامه - انگریزان بسودای آنکه از دریای (شمال) هند و چین راهی بدست آرند کشتی روانه نموده بودند - این کشتی در میان راه نزدیک به کناره دریای (شمالی) روسیه شکست برداشت - و ناچار خود را بکنار رسانیده در کنار رود (دویته) بارگاه بزرگ (کاجلو را) را پیدا کردند - و پس از آن از رود (دویته) بالا رفته بدرون روسیه درآمده بسوداگری پرداختند - و از سوداگری آنجا سود فراوان بر میداشتند بویژه از چیزهاییکه برای ترسخانه در کارست بدانجا برده و بهره بزرگی بر میداشتند - تا آنکه پتر بزرگ در کنار دریای بالتیک بارگاه و بندرهای چند بچنگ آورده و از برای باررگان چون این بارگاهها بهتر از بندر (کاجلو را) بود رفته رفته آسانی در کار سوداگری پدیدار آمده و بزرگ شده پایه که در جرك کارهای

بزرگ کشوری در آمد - چونکه انگریزان از خوردنی و پوشیدنی آنچه از کشور خودشان بیرون می آمد و آنچه از هند و امریک بدست می آوردند و هم از پارچهاییکه در کارخانه های خودشان درست میشد آورده روسیه می فروختند و گذشته از آن می و باده بسیار از فرانسه و ایشیا خریدند و با کشتی ها به بندر های روسیه آورده چه از سود کالا و چه از کرایه کشتیها بهره فزون ار بهار بر میداشتند - و از روسیه هم پوست جانوران و آهن و بزرگ و زفت و خوردنی از گندم و جو و از برای کشتی سازی تخته و دیرک و دکل و ستونهای بی ملند خریدند و بهجه اروپا می فروختند - پایه رسیدن بود در آنچه از برای کشتی و ترسخانه در بالست بود - پس از روسیه انگریز بر همه پیش و برتری داشت و همگی ناچار بودند از بازرگانان انگریز بخرند از آن گذشته چون در رو به روزانه مزدوران از انگلستان بسیار ارزانتر بود از غرضان گرفته تا از درخان در شهرهای بزرگ کار، اسراهای بسیار بنیاد گذارده و کارخانهها برپا نموده به لنگر و زنجیر کشتی و کرباس باغبان کشتی درست نمودن آغاز نهاده و از برای سره و يك هوون آهن و مس در هر جا کارخانههای پیشار بنیاد نهاده - و از اینرو سوداگری آنان در روسیه بالا گرفته و سود بی پایان بر میداشتند - و آنانهم ناگریز بودند چونکه به بیشتر از این سوداگریها روسیهان دست نداشتند و يك سر در دست انگریزان بود و انگریزان بسیار چیزها از برای ترسخانه خود در کار داشتند که از اینجا بدست می آوردند که سوش را بشمار نمی توان آورد (باقی داد)

ترقی جوانان وطن را بشارت

نقل از روزنامه مبارکه

ایران

رود بخشنه بیست و دوم شهر حال صریضه تلگرافی بشارت آمیزی در باب ترقی و حسن نتیجه زراعت

جای سکیلان از نواب مستطاب والا شاهشاهزاده
 هضدالسلطان والی مملکت گیلان مخاکیای هایون رسید
 پدبمضمون - که نواب مستطاب شامش هزاره معظم شخصاً
 سر زراعت جای تشراف برد - بونه های حاضر شده
 رسیده را شمرده بود - فریب حمل هزار بوته جای
 در زراعت کاشف الساطه حاضر و م خود بوده است
 و در حضور خود شاهشاهه معظم آن جامها
 چیده و آورده طبخ کرده و آسید بودند بسیار
 معطر و خوب و گوارا بوده است - و شاهزاده کاشف
 المصلطه چند کپروانکه از آن جا حاضر کرده که
 قدیم حضور بندگان اقدس هایون شاهشاهی دارد - این
 خبر بهجت اثر زیاده موجب مسرت و خور و آتی خاطر
 هایون گردیده امر و مقرر فرمودند بفجر المملک وزیر
 تجارت دستخطی شرف صدور یابد تا عمومه تجاره ایران
 اعلام و اعلان کند - که بحمد الله تعالی کار رراعت
 و تجارت جای که یک سرچشمه سودی معتبر و هم
 حاجتجاج عمومی مملکت است بین توجهات خاصه ملوکانه
 در ایران مرتب و جاری شده است هر یک از تجار
 که میل دارند اقدام و شرکت دراینکار کنند مجازند و
 از طرف دولت بآنها از هر جهت کمال مساعدت و
 همراهی خواهد شد - و از جمله هر قدر زمین برای
 زراعت جای بخواهند از زمینهای دیوانی بآنها مرحمت
 و اعطا خواهند فرمود -

ایران

نمیدانیم دیگر کسی را از مردم کم همت کوتاه
 خیال که دو چار مرض مزمن تنبلی و اهمالند - و
 همیشه قائل بکلمه محال جای شک و ریب و مجال سخنی
 باقی مانده است که بگویند

ای بابا - مرپی کو - مشوق کو - ما چه کاره ایم - چه
 میتوانیم بکنیم - از ما چه ساخته است - اسباب کار کو -
 آزادی و اختیار کو - امنیت و اطمینان کو - تربیت و تقویت
 دولت لازم است - تشویق و توجه - مصلحت لازم است -
 وجه - وجه - وجه - رعایای ممالک خارجه بیخود ترقی

نکرده و بی جهت صاحب مال و ثروت و علم و صنعت
 نشده اند - مأمور دولت رفقه آنها را بعنف و لعاف
 همه روزه صبح از خواب بیدار کرده و کشان کشان
 بر سر کار برده پول داده و نازشان را کشیده یک یک
 را بتکمیل علم و صنعت و تحصیل مال و ثروت و ترقی
 تجارت و صناعت و فلاحت روا داشته تا کارشان باجبا
 کشیده و ترقیاتشان باین درجه رسیده است - ما که اسباب
 کار و معین و مددگار نداریم چرا حرکت بجا کنیم -
 بهتر این است که در پشم خود بخسیم و یا از کلبم خود
 بیرون نه نیم - از خوراک و لباس جهان نان و ماست
 و پیراهن کرباس قناعت کنیم - و بیل و داس و سنگ
 دست آس خود را از دست ندهیم که یادگار محترم پیشانیان
 ماست - چه کار باین حرفهای راست و دروغ داریم
 که مسیو فلان تاگراف بی سیم اختراع کرد - دکتر
 جهان کشف علاج سل نمود - جغرافیای کره مرخ بجه
 درد ما میخورد - راه آهن الکتریکی میخواستیم بکنیم -
 اگر انگور شهریار و گندم ساوجبلاغ به پشت قاطر
 و الاغ یکساعت دیرتر بشهر برسد ضروری دارد - نه ؟
 مگر تا حالا که عراده و راه شوسه (باشسته) نداشته
 و راههای کثیف نشسته عبور و مرور کرده ایم امر
 مان نگذشته و زندگانی نکرده ایم - بلکه پیشانیان ما که هیچ
 این حرفها بکوششان نخورده بود از ما آسوده تر بودند
 راه بیشتر میرفتند و زحمت بیشتر می کشیدند - مزاجشان
 سالمتر بود - اشتهايشان بیشتر بود - غذا بهتر میخوردند
 هرشان دراز تر بود - و بنیه شان قوی تر

باری - هنوز از این حرفهای پیهوده خیلی داریم -
 و آخر همه این سخنها آنکه بگیریم همه اینها هم خوب و لازم
 است و مایه ترقی و رفاه زندگانی - آدم مشوق و مؤسس
 کو - اسباب کار کو - و چگونه و از کجا باید فراهم آورد
 (صلاح کار کجا و من خراب کجا)

بالجمله - اگر اینها زمان حال یا نقل مقال بود هرچه
 بود از ابناء وطن عزیز معذرت میخواهیم بی ادبی شد
 حاشا و کلا کمان نداریم امروز کسی باشد که در جهل

مرکب مانده یا حرقی از دفتر ترقیات این عصر نخوانده باشد - البته در عالم هرکس از عالم و جاهل و عالی و سافل در مقام خویش طالب ثروت و غنا و مایل بعزت و علی است - و اینقدر میدانند که امروز یومی نیست که هر قومی بهر چه دارند قانع و شاد باشند و محتاج برآورده و مآشات با سایر امم نباشند - خصوصاً ما که سر تا پیمان همه احتیاج است -

پس امروز خیلی باید متشکر مراسم و الطاف و متذکر عدل و انصاف و مهربانی و غمخواری شخص امس هایون سلطنت و پدر بزرگ مات و رعیت باشیم - که از بدایت سلطنت تا بحال چه قدر برای ترقی و رفاه حال رعیت و آبادی و ثروت مملکت بنفس نفیس هایونی تحمل زحمت و بذل مجاهدت فرموده اند - و اینجمله زراعت جای یکی از جمله اقدامات مهمه و آثار جایله عهد هایون مظفری است که برای اهالی مملکت مستلزم هزاران شکر و سپاس است - چه البته همه کس میدانند که سالی چندین کرور تومان پول رعیت این مملکت در بهای چای بخارجه میرفت - و قتیکه این محصول در خود مملکت عمل آید کفایت مصرف مملکت را نموده و بملاوه از قیمت فاضل آن که جز و سایر امتعه تجاربه بخارجه خواهد رفت سالی مبالغی باید رعیت ایران خواهد شد

ما بخاطر داریم که در چند سال قبل بموجب استانتیک و روزنامه که از بازار مکاره داده بودند فقط چای که از طرف شهر قازان وارد بازار مکاره شده و بفروش رسیده بود معادل دوازده کرور تومان بوده است از بین مراسم و توجهات کامله خسروانه و اقبال بیزوال ملوکانه و حسن اقدام و همت و اهتمام تجار ایران خاصه تجار وارباب ثروت و یسار مملکت گیلان امید داریم که بذل سعی و مراقبت تمام در توسعه و ترقی و تکمیل زراعت جای در داخله ایران نموده تا با که انشاء الله این متاع مثل بعض امتعه و محصولات دیگر داخله جای خدات لحنی از احتیاجات طارا بگیرد - دیگر بهانه برای

مردم این مملکت باقی نیست - حمد خدا را اسباب کار مهیا و آماده و ابواب اطمنی از هر سو گشاده شاهنشاه جهان خیرخواه و غمخوار و عادل و کام جهانیان پیمان این هایون وجود حاصل است

(بسانک بابل و قری اگر نونی می)

(علاج کی حکمت آخر الدوا الکی)

حبل المتین

ترویج زراعت چائی در ایران من جمله مقاصد مقدسه میباشد که اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی خلداد ملکه از ایام ولایت عهدی مدنظر مبارک داشته اند - چنانچه چندماه قبل از رحلت شاه شهید بتوسط جناب آقای ندیم السلطان و بذریعه مدیر روزنامه ناصری ترجمه دستور العمل زراعت و تربیت چائی و مقداری تخم آن را از اداره حبل المتین خواستند (چنانچه روزنامه ناصری و حبل المتین شرح دستخط هایونی و اقدامات ملوکانه را در ترویج زراعت چائی انتشار دادند) اداره حبل المتین بمجرد رسیدن فرمان واجب الاذعان ملوکانه رساله مبسوطی در وضع تربیت و زراعت چائی از انگلیسی بفارسی ترجمه نموده بایک صندوق تخم چائی بتوسط جناب آقای میرزا علی اصغر خان صدراعظم روانه طهران نمود (چرا که در آن زمان موکب فرخنده کوکب شاهانه دارالخلافة باهره را زینت بخشوده بود) از آن بعد آنچه نگاشتیم جواب نرسیده از دستگاه سدارت همین قدر جواب آمد رساله و صندوق تخم چائی رسید گویا سدارت اقدام در این امرام را مهمل شمرده تقدم بحضور هایونی نه نموده اند

پس از آنیکه شاهزاده کاشف السلطنه بمحل قونسنگری بهیشتی مأمور شد مجدداً احکام اکیده رسید که قلمهای درخت چایرا بایران حمل نمایند چنانچه کاشف السلطنه قلمهای زیاد با مصارف بسیار حمل بایران نموده در گیلان اقدام در تربیت آن کرد - الحق کاشف السلطنه در اجرای این مقصود مقدس ملوکانه خیلی زحمت کشید امیدواریم در ذیل عاطفت این شاهنشاه ترقی خواه جمیع نواقص ملی و دولتی ایران تکمیل پذیرد

عجائب المسلمین

مؤید الاسلاما - جزالذقة عن الاسلام احسن الجزاء
الحق ایضاً حقوق اسلامی را درین عصر احدی مانند
جناب عالی ننموده - بمحاذقه بمقتضای سیرت حسنه اسباب
امر بمعروف و نهی از منکر همه قسم برای جناب عالی فراهم
است - محض ادای شکرانه این نعمت عظمی باید آنی از
تعمید نیکان و توبیخ بدکیشان غفلت نورزید - چونکه
ظورده پنهان جهان و عاقبت اندیشان قادر بر اظهار مافی
الضمیر خود نیستند - و علاجی جز خوردن خون جگر ندارند
از هر گوشه و کنار باید مطویات خاطر خود را بتوسط
جرائد حریت طلب اسلامیت خواه باسراع عامه ناس
برسانند - بهترین وسیله برای تیان مقاصد حقّه جریده
محرّمه جبل المتین است

لذا - از فرایض ذمه جناب عالی است که از اندراج
آن مضایقه تفرمائید از این جمله است شرح حال
صوفیه نجف اشرف که بمحاذقه و جنادله معروف اند -
یکی از آنها میرزا حسین نام ظنی است با چند نفر
دیگر محض تعرفه حال مختصری از تاریخ و سرگذشت
اورا می نویسیم میرزا حسین پسر شیخ الاسلام نائین است
اوائل عمر در حدائق سن از ارتکاب شنایب کارش
بافتضاح انجامیده از نائین فرار و مدتی در اصفهان
توقف کرد - با پسر خاله اش که همه از عقاید او واقف
بودند حشر پیدا کرده آخر الامر از ترس اجراء حدود
شرعیّه حجة الاسلام آقا شیخ محمد باقر مرحوم شبانه
فرار کرده و بسامره پناهنده شده خود را در زمره
عجائب میرزای شیرازی مندرج ساخت و در آنجا نیز
تجدید مطلع کرده قضایای سابقه اصفهان و نائین را
از سرگرفت ولی چون میرزای شیرازی نوراقت مضجمه
از علوم سیاست و تمدن و مردم داری بهره کامل داشت
و از اظهار قبایح اعمال این شخص اقتضای نوع طلاب
سامره می شد لذا ناجی بر او گماشت که شاید منظم
شود - ناکسان میرزای مرحوم باجل آسمانی در
گذشت از آن بعد بحجة الاسلام آقای سید اصفهانی

متکی شد زمانی نگذشت که قبایح افعالش واضح آقای
صدر از حوضه خود طرد کرد - اینک در نجف
اشرف با بعضی از آقا زاده ها پیوسته دائماً کارش فحاشی
و افساد است از مرده قطب و با چند نفر از هم
دستان دیگر در صدور جعل ناسخ تکفیر نامه صدر
اعظم اند در صورتیکه ورقه که با مهار شریفه
آقایان حجج الاسلام رسیده در همه بلاد اسلام منتشر
و هنوز مرکب آن خشک نشده خیال دارند که
بدستاری بعضی از جنود الشیطان عتبات که در کرمان
نجف هستند و بهرامی برخی از آقا زاده ها بطمع کثیف
ایره های زرد ناسخی جعل کنند - اگرچه احدی احتمال
نمیدهد که حضرات حجج الاسلام از این معنی غافل
باشند بلکه یقین داریم که با - یاست آنان چنین امری
که نتیجه آن اقتضای نوع عاهاست نخواهد شد حاشا
ثم حاشا که عاها نجف اشرف در چنین مواد که
احکامشان دو ماه قبل در همه بلاد اسلامی انتشار
یافته باین زودی دو سه نفر طماع دین فروش را مجال
دهند که هر ض و ناموس نوع عاها را هتک و سراق
احترامات حمله دین مبین را خرق نمایند

ولی از طرف دیگر گذشتن اجزاء از دویت ایره
که از طرف شخص مکفر بر آنها داده شده لیلی
مشکل و اغراض از هزار و صد تومان بول بجای سری
است بقایت ص - باین قدر ارزش دارد که شبانه خاتم
شریف حجة الاسلام را خفیه برداوند و چنین کاغذ را
مهور داشته دویت ایره دریافت کنند - لکن باوجود
این هر ض میکنم حاشا ثم حاشا کلا که آقایان از
خوابیم شریفه و امهاره ذیعه خود غفلت ورزند که بشود
مرقت نمود در صورتیکه میدانند بر این خوابیم شریفه
چه آثار و نتایج بزرگ مرتب خواهد شد و شاید خود
اجزاء هم ملثقت باشند که جعل این ناسخ اشع از جعل
ناسخ تلگراف سابق و ضمیمه نوع اهل علم میباشد باندازه که
تا ظهور دولت حقّه تدارک آن محال و وقعی برای عاها
نخواهد ماند - یقین داریم که هرگاه جعل ناسخی نمایند

برای جناب عالی خواهند فرستاد لذا قبل از وقت جناب عالی را اطلاع میدهم که واقف از تدلیس باشند همین قدر بدانید که محال است علماء ناسخ بدهند خصوصاً در همچو موردی که قهراً تمام مسامین بلکه تمام دنیا از آن مستحضر خواهند بود منظور به جعل ناسخ است بلکه بیان وقاحت اعمال جنادله است که بجه اندازه در تزییع آبروی علماء اعلام مجدد و ساعی اند جناب عالی بخطوط بیامنا و امسای غیر مروف نجف ابدأ اعتماد فرمائید شاید بعضی تصور کنند که این اشخاص اهل علم اند یا نا اهل علم حشر دارند و مسامین باوجود این چگونه این قسم قبایح را مرتکب اند ولی صدق مدعی که تدلیس و شیطنت آنها باشد امری است مشهود - هر که در عراق حرب است معاینه میکند که اعمال آنها علاوه بر آن است که گفته شد - اما وجه این که چرا این امور اقدام دارند ادای شکر نعمت میرزا علی اصغر خان است و این امر عین وفاداری است که عقلاً مطلوب است (من لم یشکر الناس لم یشکر الله) مدتی که صدارت سابق سرکار بود یوهای سفید را از رعیت بی چاره ایران بظلم گرفته و بر جنود که قطب و امثال آنها بود میسراند تا ذخیره روز سیاه او باشند - و طلای زرد باینها خوراید تا در اینروز بدر دش بخورند اگر چنانچه هوا حواشی و برا نکند بی وفائی کرده اند و معلوم اند و مردود - لکن حرف نگارنده این است که نباید بجهت حمایت یک نفر مرتد احترام نوع عالی مذهب اسلامی را هدر نمود و مجمع اهل علم را مفتضح ساخت بسیاری از موالحوان صدارت سابقه هستند لکن ابدأ باقتضاح ادق مسلمی راضی نمی شوند فضلا عن العلماء الاعلام کترافه امثالهم - بی دزد ناشی بکاهدان میزند

فی الجمله حق هم دارند زیرا که عطایای میرزا علی اصغر خان قریب تمام شدن است از این و بعد باید با توبره کدائی این در و آن در بزنند تا لقمه نانی تحصیل نموده صرف معاش سازند ارتکاب این همه وقایح بامید آن است که شاید آب رفته باز بجوی آید و لعل قارنگر

ایران بمنصب اولی برگردد بازار دزدان رونق بگیرد ظاهراً سبزی میرزا علی لایغر خان پاک می کنند ولی در باطن برای خودشان تنور نان بزی گرم

خیر خواه اسلام (س - ع - نخبجوی)

مکتوب از اسلامبول

(۲۸ رمضان المبارک)

الحق اداره مقدس مرجع شکایت و محکمه انصاف و عدالت است که بعضی اشتباه کاریها در میان هموطنان براسطه نامه مقدس گفتگو شده سخنان حقا و صواب تصریح گردد - لهذا این محاکمه را بالصف آنوجود محترم یعنی مدیر روین ضمیر نامه مقدس حوالت مینمایم که از برادران دینی که همه اینای وطن هستند رفع شبهه گردد - که بهتان بکسی نه بندند و اسناد تعلق بشخصی ندهند که بسو - طن ایشان جواب گفته شود - بنده نگارنده چند ماه قبل مکتوبی نوشته اطلاقاً در نمره دهم صفحه چهاردهم درج فرمودند - بهان نگارشات در نمره یازدهم بامضای عبدالله بن عبدالله از بمبئی چند ایراد فرموده و نگارنده را اساد به تعلق داده این لفظ تعلق مخاص را مجبور کرد که بدین جد کله مزاحم شود شاید از آن بنده خدا رفع شبهه کرده که داعی جابلوس و اهل تعلق نبوده و بیستم - تا امروز زبان و قلم خود را از لوث آفاق و دروغ و مبالغه و افترا و آزردن دل بی نوع خود حراست کرده ام -

نگارنده نوشته بود بسبب افکارهای ما محدود است اگر در یک نفر هزار تومان بنیم هزار جبهه نایم که بدانیم از کجا تحصیل کرده اگر محل پیدا نکنیم خواهیم گفت از فلاجیا دزدیده یا خیانت به دولت و ملت کرده صاحب مکتوب بمبئی مینویسد که این درست نمی آید در سورنیک ما سه پدیم فلان مأمور در وقت حرکت مصرف راه را قرض کرده بعد از چند ساله صاحب ثروت میگفت میشود پس به این مواجب قلیل ممکن نیست مگر اینکه حقوق ملت را فروشد یا دست بجزئی دولت زند

در جواب این ایراد بارها گفته ام و بار دیگر میگویم نظر ما کوتاه افکار ما محدود اطلاعات ما قاصر است. اگر این ایراد را بأمورین داخله عموماً و خاصه آنها که در یثخت طهران گرفته شود که در اندک زمان هارات شدادی و باغات ارضی با موبل های فرنگی که چند صد هزار تومان ارزش دارد مزین فرموده خرج یکمهای ایشان به بجهت و شمت هزار تومان بالغ میشود اینها فراهم نمی آید مگر خزینة دولت را خالی کردن و بحقوق ملک و ملت دست درازی نمودن و زوال وارد آوردن و کرورها ثروت وطن را بهیای چند هزار تومان فروختن و عوض کردن (داستان است که افسانه هر انجمن است) ولی مأمورین خارجه بدون اینکه حقوق دولت را نکشی رسانند. ممکن است در اندک وقت ثروت فوق العاده تحصیل نمایند. و ازین اشخاص ده و دوازده نفر شده بشخصه میشناسم برای اثبات مدعا دوسه نفر را یادآوری میکنم تا رفع شبهه و تمحّب گردد از آنجمله یکی (اکتاتوف) سفیر کبیر دولت روس در اسلامبول بود در یکروز صاحب چند کروز شد چنانکه چند سال قبل نیم ساعت بشروب مانده در شورای دولت علیه عثمانی قرار قطعی دادند که دولت تنزیل اسهام (روم ایلی) شرقی را نتواند داد. سفیر مشارالیه از واقعه خبردار شده دو ساعت از شب گذشته تلغراف به پاریس و لندن و برلین زد که ده ملیان از این اسهام بفروشید که قیمت هر یکی چهارصد فرانک بود بعد از انتشار واقعه بیکصد و پنجاه پائین آمد

دوم به خودی و بیحکانه واضح است که غفران مآب سپهسالار میرزا محمد حسین خان مشیرالدوله مرحوم شرف و ناموس دولت و ملت را در اهلی درجه حفظ کرد در هر مأموریت عدالت و ناموری در جهان یادگار گذاشت. و ابداً خیانت به دولت و ملت نکرد. باوجود این مهارت عالی در علیه بنام سفارتخانه بنشانها. مع تجملات ملوکانه تقریباً سیصد هزار تومان مصرف کرد مسجد و مدرسه در دارالخلافه

مع موقوفات زیاده از آن قائم کرد. دیگر املاک و اثاث البیت و نقدی آن مرحوم را خداداناست خوب است فکر کرده جای تحصیل پیدا کنیم بسیار ازین قبیل میتوانیم شمرد که نگارنده ایراد تمحّب نماید.

از اینها صرف نظر نموده بنده. بخواهم از صاحب مکتوب بمثلی سؤال نمایم معنی نطفه را که قلمی فرموده نطفة ياك بيايد که شود قابل فیض

ورنه هر سنگ و گلی لوله امر جان نشود

کدام است؟ نمیدانم از لفظ ذی که نوشته چه خواسته و اصالت که نگاشته چه منظور نموده کی را اصیل زاده شمرد که را بد اصل آیا نطفه آلت است که از صلب حضرت آدم صقی هابیل آمد و قابیل موجود شد؟ و یا آلت است که از صلب حضرت نوح نبی ظهور یافت که از معبود خود خطاب مستطاب (آه عمل غیر صالح) شنید. سنگ اصحاب کعبه از آن بهتر بود؟ یا نطفه آلت است که از نسل آذر ابراهیم خلیل الله علیه السلام ظهور نمود؟ و یا نطفه آن است که از نسل هاشم عبدالمطلب عبدالله و اهل بیت ظهور نمود؟ آیا نطفه آلت است که از ایل امام علیه السلام صادق و کاذب بوجود آید. گویا نگارنده معنی نطفه را ندانسته. آمدیم بسر لفظ ذی گویا منظور نگارنده از لفظ ذی مرد بیخیز و درویش بوده. اگر چنانست انصافی فرموده و بلکه احتیاط از پیش سوزن عیسی روح آفکند کرده و از قیمت حضرت لقمان عبر نداشته که سه مقاله طلا فروش شد و از روح ابوذر غفاری خجالت نکشیده. و از سلمان فارسی بنده نشیده. گویا خطاب مستطاب (ان اگر مکم هندالله اتیکم) را فراموش نموده و اگر مشایخ گرام و اولیاء الله عظام و حکما و فضلا را بشمارم که عموماً فقیر زاده بوده اند سخن بدر از آن کشد

اما اصالت که اصلاً خراب کننده وطن ما این لفظ شده که فلان کس اصیل زاده نیست گویا هر کس باعن جد خان زاده باشد و سرداری تومه پوشد و اسب ویدک داشته باشد و صد نفر فراش در جلوش نمره برو بالا

زیر و زیر میکند (اللهم اجعانی محسوداً ولا نجعانی حاسداً)
 (توأم آنکه نیسازارم اندرون کسی)
 (حسود را چکنم کاو ز خود برنج دراست)

باری عرض بنده کشادن باب مباحثه با هموطن
 محترم خود نیست لکن این عقیده که ما راست فلانکس
 اصیل زاده و نجیب است زیرا که خان بن خان بوده
 درست نباشد - اسم اصیل زاده و نجابت یکسانیکه خابن
 فومند نباید نهاد - که مثبته شوند یازده سال است نامه
 مقدس در صفحه (۲۴) سیئات افعال ایشانرا شمرده
 هنوز از هزار یکی گفته نشده - باوجود این ضرور و
 تکبر و قریع ایشان روز بروز بالا میرود -

مع هذا درویش زاده را بدنائت و خان زاده را
 باصالح و نجابت نسبت خواهم داد - خدا میفرماید
 (یا ایها الناس اثم الفقراء الى الله) - و حضرت مولای
 متقیان عابه السلام فرماید (الشرف بالفضل والادب
 لا بالاصل والنسب)

مرد بی فضل و علم بی خرد است
 گرچه دارد بزرگ اصل و نسب
 فصل جو و ادب که نیست بحق
 شرف مرد جز بفضل و ادب
 در مکتوب اولی عرض شده باز عقیده خود را
 عرض نمایم -

ز میدان کسی کوی دولت ربود
 که با کیزه خوبی شعارش بود
 سادت کسی باید از روزگار
 که خاق نکو با کارش بود
 دماگوی غیرتمندان وطن - (ز - ع)
 کاهکشان

نقل از گنجینه فنون

کاهکشان که بر بی جرم گویند و در میان عوام برآه
 حجاز یا نام معروف است - بعد از یاد است از ستارگان
 که در یک استقامت اقتاده و اول عالم شمسی ما حلیل
 دورند و بسبب همین کثرت و بعد است که خودی با...

بیا باین گویند - و بی رعیت بچاره را برای صفای
 خاطر خود صاف و مال مات را از دستش گرفته
 محتاج نان شب کند و ناموس اولاد وطن چون
 خان و خان زاده است به برد عیب ندارد - ببارة اخری
 از جد و اجدد خاین دوات و مات و مغرب شریعت است
 شخص با اسالت را واجب الاطاعه داریم او امر و نواهی او را
 فرض عین شایم (کافر من اگر اینطایفه دین دارانند)
 تیغ برنده را نخر بچوهر خداداد خویش است
 نه بکان آهن - و گوهر شاهوار را نارش بآب و
 رنگ ذات خود است نه بصلب معدن - بزرگی نه از
 نسب است - آدمیت نه بمال - انسان منصف راست که
 اصالت و نجابت و انسانیت و باکی لطفه را از افعال و رفتار
 و گفته تار و کردار استخراج نماید - چنانچه خدا فرموده و
 ایما و اولیا خبر داده حکما و ادبا سروده همه را برای
 العین مشاهده میکنیم و کسی را لطفه باک خواهیم که
 منصف بصفات محموده شایم که اولین اوصاف آن ادب
 باشد - قال الله صلی الله علیه و آله (ادبی ربی باحسن
 تأدیب) ادب حاضر و ناظر دالستن خداست در هر
 مکان البته از این شخص نه کبیره و نه صغیره سر
 نخواهد زد

از خدا خواهیم توفیق ادب
 بی ادب محروم ماید از فضل رب
 بی ادب آناه خود را داشت بد
 بلکه آتش بر همه آفاق زد

دیگر از اوصاف حمیده اصاف و حیا و شفقت
 و تواضع و حسن خلق و حسن عهد و تقوی و سخاوت
 و - و - و میباشد هرکس به این اوصاف محموده
 منصف شد لطفه باک و نجیب و انسان کامل است
 خواه خان زاده خواه توناب زاده و هرکس که
 منصف بصفات رویه شد مانند ظلم و دروغگویی و بیعتان
 و افتراخوانی و مردم آزاری و ضرور و حسد و بخل
 و غیره و غیره که تمام نشانه است فطرتی است بازخواه
 خانزاده و یا توناب زاده باشد خصوص حسادت که دنیا را

در آثای سیر بیکدیگر مخلوط شده ضیاً مشوشی مانند
 ابررقیق بنظر می آید. و بر صد و حساب معلوم شده که
 فقط در اینچنین خط مجریه ۲۸ میلیون (۲۶ کروار) ستاره
 یعنی کوکب ثابت موجود است - و بعد آن باندازه
 ایست که بیان آن با ارقام موجب نشویش ذهن قارئین
 میشود - همینقدر گوئیم که شعاع نوری برای قطع
 قطر دایره این مجریه بانزده هزار سال مدت لازم دارد.
 در حالیکه شعاع در هر ثانیه ۳۰۰۰۰۰۰۰ کیلومتر یا
 ۵۰۰۰ فرسخ شش هزار ذری را می پیماید

خدمت ضوه غیر مرئی بصید مروارید

چون خواصان برای بیرون آوردن صدف مروارید
 با تبحر و صاحبان قایق ها عقد کنترات میکنند و از
 روی شماره صدف اجرت میگیرند لهذا هرچه صدف
 بیرون می آورند باید از روی شماره تحویل بدهند
 سابق بر این هرچه صدف بیرون میاورند حل
 بساحل نموده بصاحبان کنترات تحویل میدادند و آنها
 تمام صدفها را میشکافتند و مرواریدها را برقاچه
 صدفها را بصحرا میریختند و چون پیدا شدند صدف
 صدف مروارید دارد تمام را می شکافتند چون اغلب
 صدفها بی مروارید است لهذا خیلی حیوانات صدف
 تلف میشوند چنانکه در این اواخر قدری کم و نایاب
 شده بود که مالیات و خراجی که تبحر مروارید بدولت
 میدادند که در سال (۱۸۹۱) میلادی بجهل هزار
 تومان رسیده بود مبیج شد - یعنی چیزی دستگیر تبحر
 و صاحبان کنترات نمیشد تا بدولت این خراجی بدهند
 تا اینکه این تدبیر بخاطر یکی از دانشمندان رسید که
 ضوه غیر مرئی را (که معروف بنور رنتکن) است
 در صید مروارید بکار ببرند یعنی چون صدف را از
 اصحاق دریا بیرون آورند با آلت مخصوصی که موسوم
 به (عینک) ضوه غیر مرئیست جوف صدف را به پند
 اگر مروارید دارد پاره کنند و اگر ندارد نشکافته
 دو باره بدریا اندازند - تا برای سنوات آتی مروارید
 بگیرند زیرا که ممکن است همین صدف بی مروارید گرم

مخصوص داخل شده و حیوان صدف برای کشتن او
 قشری بدور آن بتند و باین طریق تکوین مروارید
 نماید تا کم کم نوع حیوان صدف زیاد شده و دوباره
 تجارت آن ترقی نماید و فایده دولت زیاد شود -

این اختراع خدمت بزرگی نیز بمنظالصحه نمود - زیرا
 که قبل از این صدف زیاد حل بساحل می نمودند و
 میشکافتند تا هر کدام مروارید دارد بردارند و صدفهای
 خالی را در صحرا میریختند چون آفتاب بآنها میتساید
 متعفن گردیده تولید بسی امراض مینمود ولی اکنون
 فقط صدفهای بار دار را بساحل می آورند و آفتاب
 نیست که باعث عفونت زیاد شود -

حمام سکها

از جمله کارهای غریب امریکائیا اینست که حکایت
 کنند دختریکی از اغنیا شهر (نیویورک) سگی داشت
 که بفاطمه او را دوست میداشت - و هرگونه توجه و تبحر
 که ممکن بود از او میکرد - من جمله روزی يك مرتبه سگ
 را با آب گرم و صابون می شست چندی که گذشت
 پدرش پریشان شد و بفاصله اندکی با دست تپ
 بدروود زندگی کرد - و چیزی از میراث برای دختر جز
 محبت سگ نگذاشت - و چون دختر فقیر و پینوا شد
 همه چیزش از میان رفت حتی نمکن شست و شوی سگ
 برای او نماند - و از این حال و کار زیاده دل افکار
 گرفته خلیل بروی گران آمد و سر بزناوی غم نهاده
 بفکرت فرو رفت که برای تبحر سگ عزیز چه کند
 آخر با خود گفت در نیویورک سگ عزیز مانند سگ
 من بسیار است - و اکثر آنها هم شست و سر نمیشوند
 بعضی بواسطه فقر صاحبانش و بیشتر بسبب غفلت از
 حال آنها - پس خوب است که من حمامی برای شستن
 سکها باز کنم - اولاً سگ خودم در رفاه خواهد بود و
 ثانیاً کسب و کاری هم پیش گرفته تحصیل مالی حلوانم
 نمود - بدین نیت تصمیم خود را فراهم نمود، در یکی از
 روز نامها حمام خود را اعلان کرد و بر این کار مامی
 نگذشت که معادل صد شتری چهار پا برای او فراهم

آمد و امروز بدرجة كاهش رواج گرفته و نوقی كرده كه چهل نفر همه جات دارد. پست نفر از آنها مواظب بودن و آوردن شكها هستند و پست نفر مشغول شست و شو و دلتز تا بحال مبالغه كلی ثروت از این عمر فراهم كرده است.

شخصی بظرافت و معاشرت كیف معلوم میشود در مالك متمدنه تیار و پرستاری سگان زیاده از رعایت و خمخواری آدهیان در مشرق زمین معتنا به است دور از جان شنوندگان بدم نكفت

رنگون

§ در عدالت بزرگ رنگون یکی از عورات فارسیه حرافته بر شوهر خود دایر كرده از عدالت طلاق خویش را خواستگار كرده. دعوی زن این بود كه چون شوهرش بارنان دیگر راه و رسم دارد همسری او را نشاید پس از تحقیق عدالت و اندراندن شهرد شوهر نیز بجرم خود اقرار نموده عدالت زن را مطلقه قرار داده برای دایر شدن مقدمه بانزده ایرامصارف مقدمه را شوهر بزن معاقه باید به پردازد. در ملت فارسیه هند این او را معاقه بوده است كه زن بر شوهر خود برای طلاق مائر كرده است

مکتوب كربلا

(از شماره ۹۱)

تا دوره سوم و آن زمان وضع مواد زکیه است كه نفس می شود در آن زمان امراض ماله و بر میگردد لون رنحسات و میگردد غلیظ با كفش كه بعد از آن عارض می شود حنة و ضیق النفس كه منشاء این دو غلظت ماده مخاطیه است كه حاجب می شود مرور هوا مستشق را و متغیر میگردد صوت. پس شروع میباشد این امراض در هبوط و انحطاط و متدرجاً قطع میگردد سیلان و منهی می شود مرض در مدت پنج الی هشت روز
لما سیر و انتهاء مواد زکیه پس لابد باید حلققت شد بچیزی كه در حلال مرض از زیاده برقصان

عارض می شود. زیرا كه عارض می شود در این مرض هوات و نواهی حقیقه. اما انتهاء آن مرض پس میباشد اولاً بانحلال مرض. ثانیاً بانققال مرض بسوی مزمن. ثالثاً باحداث نمودن زكام التهابی را. اولاً در حنجره و ثانیاً در شعب حنجریه. رابعاً باامتداد زكام بسوی حیدین فكین. پس منتضج می شود غشاء آن دو حیدین نزد دوفوهات آن. پس مسدود میشود آن دوفوهات و حادث میشود از این السداد امتساق حیدین با نتایج مزجه انذار. بدانكه زكام مذکور عموماً ساهم العاقبه است

عززی و اندك اساك و برهیز محتاج بهلاج نخواهد بود مگر اینکه هلیل طفل رضیع بوده باشد. گاهی در آنها شدید می شود امر نفسی كه مسدود میگردد بقی آنها و زمان مص و مسكیدن پستان حبس می شود نفس آنها و منع میکند تنفس را و احداث میباشد این حالت نوبه را كه مؤدی میشود گاهی در ابتداء رضاعه بمرض حنق. و زكام. گاهی شدید می شود در مرض تریحه غشایی و در این حال میگردد مسری

التشخیص - تشخیص این مرض آسان است - عموماً مگر اینکه بعضی اوقات مشتبیه می شود بمواد زکیه نزلیه كه عارض می شود زكام با نزلات سریمه الزوال را كه عارض می شود غشاء انفی را و بی دربی عطسه های شدید عارض می شود كه سبب آن تصادف هوای باردست یا استنفاق مواد زکیه الریحه است

كما اینکه در فصل زمستان بسیار شدید البرد در دارالخلافه طهران خربزه گرگاب اصفهان تفكها در مجاس حاضر نمودند. شخصی كه مبتلا بود برو بعضی باره نمودن خربزه و ظهور رايحه آن زكام و نزله آن شخص معاً بروز و بقدری سرله و عطسه های متواتر ابراز نمود بعضی كه منع تنفس كرده نزدیک بهلاكت رسید. با اشاره امر بود كه خربزه را از مجاس بردارید و برداشتند. از خانه بیرون بردند متدرجاً آرام گرفت احب از آن این بود كه آتش من اظهار نمود كه در فصل خربزه خربزه بخورند و چندان ضروری از

العلاج

در صورتیکه زکام طفیف و خفیف باشد محتاج
بتداوی نخواهد بود بجز انتظار کشیدن در سیر آن
که بانتهای برسد و بره حاصل شود. و عمده علاج
حمیه امساک است. و هرگاه عارض گردد عیال را
کدورتی و حساسیتی و کمی خفیف پس لازم است عیال
را سکون و استراحت و از اشیاء نافع. استعمال و سائط
معرقه است و تدبیر عیال است بیوششهای موافقه یا
بنوشانیدن معرقات را از قبیل منقوع زیرفون. یا کل
گاوزبان یا معرق دیگر مانند گل بنفشه و امثال آن و
اطباء قدیم سبک معالجهشان مانند شیخ الرییس و صاحب
کامل الضاعه نیز بطریق مذکور است که من بعد بعرض
خواهد رسانید

اما معالجات سابقه که معمول به اطباء فرنگستان بوده
است که یکی از طلاب مدرسه (ایون) تقریر و تخریر نموده
بودند و در جریده فریده در شماره ۳۶ سال ۱۳۰۴ ثبت شده
یعنی در روزنامه اقدس حبل المتین و مخصوصاً در بارسی
معمول بوده الحال متروک و مهمور است. چنانچه دکتر
(دی برو) مذکور در پاریس این اوا تصریح نموده اند
اما معالجات سابقین از حکماء اروپا از قبیل طلاء
نمودن غشاء افعی را بمحلول مشیرات و ارژان خفیفه یا
کیرنیات الحارصینی یا کیرنیات النامی و همچنین از قبیل
استنشاق نمودن به (بود) و امونیاک و جوهر سرکه و
کافور جمیع اینها الحال متروک است. چه بعد از
امتحانات کثیره اصلاً مفید فائده نبوده. علاوه بر اینکه
اینگونه استعمال صعب است بر مریض. و قالب از
مبتلایان باین مرض به تخریر نمودن بمابلسان و ماء خبازی
چندین مرتبه در روز بر طرف خواهد شد. چنانچه
بعد از تخریر در بعضی شدت میباید تهیج منفخین و
شفة علیا. این ممکن است تخمید آن بطلا نمودن باجسام
دسمه. مانند روغن بنفشه بادام و امثال آن. مطالب
مذکوره جمیعاً سبک و طریقه اطباء اهل اروپا است.
در زکام حاد (حرره الاقل - مؤید الاطباء)

خوردن آن محسوس نیست. ولی در غیر فصل بعضی
استشام رایجه نزله و زکام باهم حرکت میباید فوراً که
قادر بر تکلم نیستیم. ازین مثل معلوم می شود که در
غیر فصل هر مپوه چندان لطیف در استعمال آن نیست
بلکه در بعضی ضررش محسوس است. و در فصلش نافع
و حافظ صحت و دافع مرض است.

کما اینکه اینخبر در هذه السنه در کربلای معلی مرض
حمی متصل کاذب و باقی شد که باصطلاح طب قدیم
شطراقت نامند. و باصطلاح طب جدید (فیوور میتانه)
چون در فصل تابستان بود با اینکه غالب از مبتلایان
نوبه آنها غش مانند بلکه در بعضی نوبه غش حقیقی
بود. اکثر از مبتلایان را در موقتش آب هند و انه
بعد افراط تجویز می نمود. لکن بعد همگی در ایام قبلی
بدون فائده معالجه می نمود. فی الواقع از یکصد نفر دو نفر
بل صدیک صدمه ندیدند و شفای عاجل حاصل می شد
همان است. که سابقاً عرض نمود البصل للمتقدمین که
در هندوانه حکماء یونان تصریح نموده اند در حمیات
صفراویة حاده اهم من ان یكون دائماً او دائراً نافع و
رافع حمی است. و محسوس و مشاهد بود که
بعضی از متطببین بدون اطفاء حرارت اقدام مینمودند
باستعمال گنه گنه و بهسالك عظیمه مبتلا می شدند.
والفخر للمتأخرین. چه هرگاه در حمیات مختلفه ناشی در موقع
مخصوص استعمال سولفات دوکین نمایند بره تام حاصل
نخواهد شد و الحق این اوان سبک علاج تلفیق و
ترکیب است. معالجات قدما را با معالجات اطباء متأخرین
یعنی طب جدید. علاجی است شافی و کافی و وافی
همچنانکه حکماء مصر و قفقاز همین طریق است سبک
آنها. چه خوش گفت شخص سیاحی در طب. که
حاله و درایت از برای اهل ایران و آلت و ادوات از
اهل فرنگستان این دو مطلب در هر کس جمع شد
طیب واقعی و معالج است بعبارة اخری همیک بدون
دیگری ناقص است

استفاده و توبه نافه

(از شماره ۱۹)

- (۱۰) بواسطه کم خرج ستمگران هم کمتر گند و بیماران را کمتر دور خود جمع نمایند
- (۱۱) عملیات دیوانی که هر باکاری ده نوسکر بی مواجب امروز دارد کم شوند
- (۱۲) مالیات هرچه وصول شود بیشتر آن باید بدولت شود و مفت خواران در وسط راه بیضا نهند
- (۱۳) خرج دستگاه سالت از هرجهت بکاهد و خزانه معمور گردد
- (۱۴) حکام رشوه خوردن غیر مشروع و جریبه کردن بی جا را کم کنند
- (۱۵) رعایا بواسطه کم شدن ظلم بکار کردن فرصت یابند و مالیات خود را بطور صحیح پردازند
- (۱۶) چون بعضی اشیاء محتاج علیها در ملک موجود نیست در فکر یاد گرفتن صنایع مجبورا خواهیم افتاد
- (۱۷) اهالی مضطراً باجناس داخله مایل شوند
- (۱۸) صاحب هر صنعتی صنعت خود را ترقی دهد
- (۱۹) صاحبان صنایع دخل کلی حاصل نمایند
- (۲۰) اهالی مایل بصنایع شده در تحصیل علم صنعت بکوشند و روز بروز صنایع ملک زیاد شود
- (۲۱) تجار طبعمایل بترویج صنایع ملکی پیدا کنند
- (۲۲) اگر اشیاء داخله زیاده از احتیاج اهالی مریاشود زیادتی را حمل بخارجه خواهند نمود و عوض آنها طلا و نقره در ملک خواهند آورد
- (۲۳) زراعت هر جنس روی بزیادت گذارد زیرا که هر یکاره شخصی کار زراعت را رواج تواند داد
- (۲۴) کوهسارها و درها بسبب غرس انواع اشجار مزین و اراضی باثر شود
- (۲۵) احتیاج مردم را مجبور به تعلیم علم بیرون آوردن طلا و نقره و آهن و مس و نفت و سایر احسان مدنی خواهد نمود با آماده بودن اسباب همیشه در صدد برخوردارند آمد سکه ثروت خود که

نتیجه ثروت ملکی است زیاد کنند

- (۲۶) قنوت کهنه بایره روی به آبادی خواهند گذارد و قنوت جدیده احداث خواهند شد
- (۲۷) لغت و وصیت دو هر جنس پیدا خواهند شد
- (۲۸) جنگلها معمور و چوبهای اشجار قیمتی ما که شعبة از ثروت وطن است بهدر نخواهد رفت و فائده کلی از آنها خواهیم برد
- (۲۹) اراضی غیر مزروع مملو از زراعت خواهند شد
- (۳۰) سود و ربا بوضع موجوده که ویران کننده ایران است از میان برخواهد خواست زیرا که صاحبان زراعت و کسبه بقدر کفاف تحصیل خواهند نمود و محتاج بقرض و دادن سود نخواهند شد
- (۳۱) رباخواران مجبوراً پول خود را صرف تعمیر ملک نموده بیشتر فایده برخواهند گرفت
- (۳۲) محترکین اجناس تیرشان بهدلی ناامیدی و حرمان خواهند خورد و این عمل حرام را ترك نموده مشغول معاملات دیگر خواهند گردید - زیرا که غالب افراد ملت بقدر کفاف نان سال خود را سر خرمن تحصیل توانند کرد چه خرجهای پیوده معدوم خواهد شد
- (۳۳) لباس مردان و زنان انحصار بمنسوجات اهل اسلام پیدا خواهد نمود
- (۳۴) شوهران و پدران از خواهشات مخدرات و بنات آسوده خواهند شد که هر روز بواسطه دیدن رنگی تازه یا طرحی جدید عشق بی اندازه او را طرض شده بشوهر یا پدر خود التماس و قهر نموده سکه باید صندوقچه یا طاقچه از این رنگ بازیچه نیز خالی نباشد تا آن بچاره بزور روانه بازار و آن جنس نا پایدار را بقرض یا کرویاً وعده خریدار و برای این گونه مصارفهای بجا عاقبت فرار برقرار اختیار بجز و بر عالم را قدم شارد و آخر بمیرد یا نا امید برگردد و عیالش از غصه هلاک شده باشد - یغمبر صلی الله علیه و آله داخل خانه قاطمه عابها سلام الله شده پک پرده و زیوری ملاحظه فرمود متغیر الحال برگشت - قاطمه فوراً پرده و زیوری

را خدمت پدر فرستاد آنحضرت قیمة آنرا بفقرا
تقسیم فرمود - اینها بجهت تعلیم ماها بوده که بکفای
قناعت کنیم خصوص لباس و زیوریکه از دست اجانب و
باعت ذلت اسلام باشد انشاءالله از انسداد تجارت خارجه
اگرچه دشوار مینماید این مضرتهای عظیمه رفع گردد
(۳۵) بواسطه کم خرجی تناکح و تناسل زیاد گردد
زیرا که غالباً دختران و پسران ما تاسی سالکی مشغول جمع
آوری جهیز و اثاث الیت و اگر فقیر باشند تا آخر عمر
(۳۶) چون اشتها یافت که دخل اهالی وطن
پیش از خرفشان است که از اهالی که باطراف متواری
شده بوطن مراجعت نموده ملک آباد و معمور شود
(۳۷) دوسال که قند و شکر خارجه را نخورند و
دهن بملوای آنان شیرین نمودند و عوض آن عسل
و شیره انگور و شکر سرخ و شکر از چمن در داخله حاصل
کردند در تحصیل شکر اهواز و تصفیه شکر مازندران اقدام
خواهند نمود و چیز یاک بی شبهه بدست خواهند آورد
و طاهر خواهند خورد و کرمسیرات از خرس اشعار خرما
و غیره آباد خواهد شد و باطراف حمل خواهد گردید
(باقی دارد)

مکتوب یکی از رجال بادانش
هشتم ماه شوال از بادکوبه سنه ۱۳۲۱
بسمه تبارک و تعالی شانه

مؤیدالاسلام - سی شا مشکور و اجداد طاهربین
خود محشور آید - مقتضای وقت منتهای خدمت را
بدین ودولت بلکه بجمیع فرق مسلمین فرمودید - ولی
هنوز نتیجه صحیحی که مایه نجات دولت و هیئت اجتماعیه
باشد گرفته نشده - عزل میرزا علی اصغر خان صفرائی
است که نتیجه بزرگ باید از او بدست آید مانند
اصلاح دویر دولت و اجرای قانون عدالت - و حفظ
بیتالمال مسلمین و سد طریق تجاوزات بیگانگان - و
سپردن نشدن کارهای بزرگ بمردمان بیدانش و اطلاع -
و - و - اگر اساطین دین و مروجین شریعت حضرت
خاتم النبیین صلواتالله و سلامه علیه و اولاده و جناب

طالی خدای نکرده بتصور آورید اقدامی شده حسن و
نتیجه بخشید احسن شهادت و کفی بالله شهیدا که سهو
بزرگی است - و اگر اقدام تا همین پایه را کافی شمارید
بذات ذوالجلال سوگند نتایج و ختمه بروز خواهد نمود
زیرا گروهی از مداعین و متبصصین بقرت و
مغرضین بی هیئت بلکه خائبن دین و دولت که ابدأ از
شرف ملی و لوازه دستگاہ سلطنت و امور دربار و
سیاست مدن و خیالات دول و وضع و اسباب ترقیات
ملل - ولوازم ثروت ملک و امان آگاهی ندارند و غیر
از عیش و عشرت و مداخل غیر مشروع و اخذ
رشوت و ینفای خزانه بیتالمال و جلب منافع شخصی
پیشه و اندیشه در آنان نیست در دربار معدلت مدار
دولت متبوعه ما گردد آمده و اطراف پادشاه رؤف
مهربان باذل ما را احاطه نموده و خیالی سبز ناخت
بخزانه بیتالمال و اضرار دولت و آبادی بارک و
خرابی ملک و بربادی مات در سر ندارند - شب و روز
در جهد و کوشش آن میباشند با نهایشهای دروغین
بدون استحقاق لقبی جهة خود تراشیده و به اسمهای
بی مسا مواجی از برای خویش برقرار و بهر وسیله که
ممکن باشد ذات اقدس شهرباری را بسر لطف آورده و
بدون استحقاق به انعامات ملوکانه خود را نائل سازند
گواه این مدعا آنکه در عرض مدت پنجاه سال سلطنت
شاه زهید با آنکه خزانه دایر و پیش از کفای ایراد
موجود و باب همهگونه احتیاج مسدود بود از وزرای
معظم و وکلای محترم يك نفر یافت نشد که دارایی يك
کرور ثروت شده باشد - ولی در ظرف مدت چند سال
سلطنت این شهربار رؤف مهربان باذل بیش از پنجاه
فرازبست یابکان و بلکه فرومایگان دم از ملیونها میزنند
بارک و اساس بارک آنان يك کرور و بیشتر تمام شده است
بله در اواخر سلطنت شاه شهید واقعه که مایه تأثر و
تأسف هیئت اجتماعیه گردید است که میرزا علی اصغر خان
امین السامان چون خود را به امانت و صداقت در پیشگاه
مقدس شهرباری شناسانیده بود آن شهربار معظم را اغفال

و برای حاجی محمد حسن صراف لب امین‌المری و
گرفته و سببه اصلاح پول سکه نمودن را در دائره
انحصار ددا آورد - و ضراب خانه را به او سپردند و
آن با انصاف هم هستی ملت و دولت را محو و خود را
دارای ملیونها ثروت نمود

از قرار اطلاعات موثق هنگام گذاردن و گذشتن
پیش از بیست ملیون اشرفی بمیراث گذاشت او و
و صد هزار انبوس آن ثروت وطن را که او
از کف ابنای وطن و دولت با کمال بی انصافی بدو
بسیار غیر مشروع بر بود وارث محترم او که اهل وطن
و بوطن دوستی او امیدوارها داشتند در اصلاح حال
وطن صرف نموده و نقل بخارج داده و ابداً در این
اندیشه و خیال نیست که بشکر آن نعمت خدمتی بوطن
مقدس و هیئت اجتماعیه ملت خود بنماید - رای می سازد
و خاکی آباد کند و آبی بروی کار وطن آورد - کافی
در آرد و باری از دوش ملت بردارد - و زنگ کدورتی
از دل آنان بزداید - به تشکیل شرکت پردازد و مات را
از برنی تنگها برهاند بلکه بخلاف وجهه ملی و غیرت
وطن دوستی تقدینه وطن را بیانگهای اروپا سپرده
دارد - و با استصواب گماشته خود در مسکو هشتصد
هزار منات داده جانی خریده و بقدر یک ملیونم خرج
تعمیر آنها نموده و همچنین در نتره به دو بیست و
سی هزار منات کاروان سراپ خریده و به اعمار
او مشغول است - و مکنذا در خاک فرانسه

بلی - این زشتی و ناراستی هارا عدم قانون دعوت
مینماید اگر بحکم محکم قرآن قانونی دو میان باشد که هموم
از اطالی و ادانی از ثروت و سامان خود امین باشند
و از جانب دولت اسباب امنیتی فراهم شود که همگی
قدرت و ثروت و دارائی خود را با کمال امنیت اظهار
و در اعمار مملکت و ترقی تجارت و صنعت بکار برند
چنین تا ملامت بروز نینماید - نباید ثروت و دارایی
هیچکس موجب نهمت و وسیله مضررت آنان باشد تا
همگرددند و بسوسه به اعمار وطن پردازند

مطلب دیگر که اسباب یأس و وحشت کونه نظران
شده تصور انقلاب سببه دولت بی‌زوال علیه ابراست
لهذا با کمال اطمینان با بصیرتی و باقی و اطلاعی کافی هموم
مات را با آوری مبتنایم که همگی از روی یقین بدینند
آنچه تا حال بروز نموده اثر ثقلیات امنای خان و وکلای
بی صلاح بیداش بوده - و کسی از ما بزور ملکی نگرفت
و حتی زبرد و تباہی نکرده - رشوه داده و رشخند
نموده و که در را که در سرکار بوده اند فریخته و
برده اند - آنچه برده اند

پس ر این محال اندر محال است که بخریطه و قضا
حالیه ایران یک وجب کسر و نقصان وارد آید و کسی
بحدود حالیۀ ایران تجاوز نماید این تصور نه بملاحظات
قوت دولت علیه ایران و نه بدلیل ضعف همسایگان است -
باکه روح ملک حکم زمان و طبیعت وقت چنین
اقتضا مینماید - مگر خانی در سرکار (فعال ما برید)
وقع شود و سببه اظهار عجز دولت و سلطه اجانب
و بوحشت انداختن مات بمحض آنکه اجمالی سببه دفع
مضررتی بجهت نظردقت و لینعت خود سخن حق سرودند
بدعوت اجانب برخیزد - چنانچه بیچاره اهل آذر با بجان
معض اظهار تظلم قیام نمودند که نباید در قبه الاسلام
میخانه و ... باشد - و در خدمات دولت و امور مملکت
نباید غیر از مدیر از اجانب مستخدم و وطن مات بیکار
و بریشان روزگار بمانند فوراً محض استیصال و تنویف
آنان همسایه را بر آن وا دار نمودند که فرقه از سواران
خود را بحدود سوق نماید - که اینگونه کردار ناموس
شکنانه و تدلیسات سلطانه برخی نمک محرمین مایه یأس و
سوه طن ملت گردیده و میگردد - بلی اینگونه دعوتها در
افتشاش داخلی مایه یأس مات و منادی هرگونه بدبختی و
ذلت تواند شد - مکرر در اینخصوص مقاله های مائو
مبسوط نگاشته شده است

ولی من چه گویم که کسم ده ساز نیست
گوشها بین است اما باز نیست

قادر بروردگار بحرمت سید مختار ملك و ملت ملرا
از اینگونه اغتشاشات داخلی مصون و محفوظ دارد
بلی سیاست آن منفور خاص و عام و بملای اعلام
مکثراته امثالهم - تیره بحق های گوناگون حاصل و
نزدیک بود که منجر بمحو هیئت گردد - که
(دست غیب آمد و بر سینه نا محرم آید)

مداوند به اغنیای ماحسی نهایت فرماید که ارسجان
ما حصه گیرند و در بیانات نامه مقدس بدیاء اعتبار و
اعتبار نگریت و بوجه ملی در صدد کار برآیند
دائم در روان هر مقاله که در نامه مندس درج
میشود لفظ ملت نجیب قدیم و غیور ایران مشاهده
میگردد اینجا این لفظ هم مانند عنوان های دروغ
هنوانیست که بدروغ با بسته اند یا راست است - اگر
راست است جسارت عرض مینمایم که امروز از علما و
امرا و وزرا و اعیان و تجار و صراف در وطن عزیز
ما صدها صاحبان کرور و کرورها ثروت موجودست
و شرف هموم اهالی ملت اینک در دهن سی و چهار
کرور میباشیم اگر در ماحس ملی و غیرت وطن برستی
هست چرا همت نمی نمایم تا شرف ملی خود را اعاده
نمایم - معلوم است از اینگونه وقوفات غیر متعقبه در عالم
بسیار واقع شده است ولی در دفع مضرت و بدست
آوردن شرف از دست رفته همت و غیرت در کارست
لازم دیدیم در اینجا مختصری از غیرت ملی سایر ملل
ینگاریم شاید نازیانه غیرتی جبهه انبای وطن محترم آمد
پس از آنکه دولت آلمان فرانسه را مغلوب و پاریس
را استیلا نمود فرانسویان طالب صلح گردیدند - بسپارک
بخیال آنکه بارگراتی بر دوش فرانسویان بگذارد که
توانند از زیر آن به آسانی در آیند هزار کرور
تومان بول طلا خسارت حرب طلب نمود - فرانسویان با
دانش و هوش و محض اقتناع حریف اظهار عجز از تحمل
آن چنان بار گران نمودند - بسپارک را اصرار افزود
همینکه دانستند بسپارک اینوجه را متناهی نگاشته و بعدم
اقتدار آنان قناعت حاصل نموده با کمال استادی چنان

و نمودند که از روی ناچاری می پذیرند و صلح نامه
از طرفین به امضا رسید و در مصالحه بسپارک قید و
شرط گذارد که ایران هر قسطنطنیه فرانسویان ادا
خواهند نمود بهمان پایه عساکر آلمان از خاک فرانسه
خارج شوند - بعد از گذشتن معاهده و در تحت امضا
در آمدن و تشکیل حکومت جمهوری - ملت فرانسه را
غیرت قبول نمود که مدتی طولانی آلمان برخی از خاک
فرانسه را در تحت استیلا خود داشته باشد - و بر
آن سر شدند خسارت حرب را یکباره ادا و خاک
وطن مقدس خود را از رنج انگذکوبی اعدا برهانند
و اینخطاب را با روزنامه ما منتشر ساختند قوم غیور
فرانسه که از حب وطن و شرف ملی آگاهند جبهه
دفع و دفع دشمن از خاک وطن در یک روز چهارمقابل
آبوجه را در عهده قبول در آوردند - لذا جبهه آنکه
هموم از آن خوان غیرت بهره ور گردند از هر کس
چهار یک تمهدی او را پذیرفته و بدشمن پرداخته و
مدعی را از خاک مقدس وطن خارج نمودند - خاک
فرانسه از یک سهو ناپلیون تحت استیلا آلمان در
آمد - و ملت فرانسه هرگونه فدا کاری را برخویش
گوارا شمرده و دفع این خفت را از خود نمودند
این ننگ هم در سایه سهو و خطا و سوء اداره
و کلاهی بی عجز جبهه ما حاصل شده - اگر بواسطی ما
ملت غیور میباشیم باید خود را هرچه زود تر از
زیر بار این ننگ در آوریم و در تأدیه این حزن
قرض که تهاش عبارت از سی و چهار کرور تومان
حالیه که با پول طلا مبادل شائزده کرور تومان میشود
صرف همت و غیرت نمایم

بلی اگر بقدر سرفروغ در ماحس ملی و غیرت
ایرانی پیدا شود باید پیش قدمان قدم نموده و
قدم پیش گذارده این فرض را ادا و خود از دولت
و ملت طالب کار شوند - و این سود را به برند
بلی محض بیانه همگی خواهند گفت بجه اطمینان
اینکار را توانیم کرد - عرض مینمایم حکومت